

## نیشانه‌ها

در مورد زورخانه یا محل ورزش سنتی ابهام عمده ای وجود دارد. این مکان در عین حال که به عنوان جایگاهی برای سلحشوری، جوانمردی و سایر ارزش‌های سنتی نظیر سخاوتمندی، شکیبایی و زورآزمایی جوانمردانه شناخته می‌شود اما به عنوان مأوایی برای متمردان از قانون نیز شهره گشته است؛ مردانی که زور بازوی خود را در اختیار فردی قرار می‌دهند که پول بیشتری به آنها بپردازد. در این مقاله سعی کرده‌ام این ابهام و دوگانگی را بررسی کرده و ریشه‌های آن را در تاریخچه اجتماعی این نهاد دنبال کنم. برای این کار باید ابتدا به طور خلاصه به جایگاه و وضعیت فعلی ورزش‌های سنتی نگاهی داشته باشم، سپس سعی خواهم کرد تناقض نامبرده را تشریح کنم و در نهایت با مشخص کردن هویت‌های سه دسته اجتماعی مختلفی که به زورخانه رفت و آمد می‌کنند، توضیحی برای آن بیابم.<sup>۲</sup>

### گزارش مختصری از یک سنت

زورخانه، ورزشگاه سنتی ایران است که در آن ورزشکاران به انجام یکسری حرکات ژیمناستیک سنتی و پرورش اندام می‌پردازند. این حرکات از سال ۱۹۳۴ نام ورزش باستانی به خود گرفتند. در

گذشته این ورزشگاه‌ها بیشتر به آموزش کشتی می‌پرداختند اما تأسیس فدراسیون ملی کشتی ایران در سال ۱۹۳۹ به این کار پایان داد. با این وجود کشتی سنتی از بین نرفت و در حال حاضر به یاد عنوانی که به قهرمانان این ورزش تعلق می‌گرفت کشتی پهلوانی نامیده شد.<sup>۴</sup> اما ارتباط آن با زورخانه تقریباً قطع شد. بر خلاف ترکیه که در آن گروهی کشتی گیران سنتی حرفه‌ای وجود داشتند<sup>۵</sup>، برای کشتی گیران ایرانی کشتی پهلوانی فقط حاشیه‌ای بوده است در کنار مسابقات کشتی آزاد و هنگامی که مسابقات به پایان می‌رسید دوباره به تمرینات کشتی آزاد روی می‌آوردند.<sup>۶</sup> به همین دلیل در حال حاضر تنها فعالیت ورزشی زورخانه‌ها به ژیمناستیک و پرورش اندام محدود می‌گردد.

معمولاً ورزشکاران در گروه‌های ده یا پانزده نفری در یک گودال هشت ضلعی (گود) و با آواز ریتمیک کسی که به او مرشد می‌گویند ورزش می‌کنند. مرشد در پشت یک سکو (سردم) می‌نشیند و یک ساز کوبه‌ای (ضرب) و یک زنگ در اختیار دارد. از سال ۱۹۴۱ رادیوی ملی ایران هر روز صبح این آوازا را پخش می‌کرد تا علاقه‌مندان بتوانند در منزل خود به انجام این حرکات و تمرینات بپردازند. به تازگی در بعضی از کلوب‌های ورزشی چند منظوره غیر سنتی نیز جلسات تمرین ورزش سنتی رایج شده است که نشان دهنده بروز تغییری در شخصیت ورزشکاران است؛ در حالی که نسل قدیم خود را فقط به ورزش سنتی و کشتی محدود می‌کردند ورزشکاران جوان زورخانه به ورزش‌های دیگری نظیر پرورش اندام، وزنه برداری، هنرهای رزمی و حتی فوتبال نیز می‌پردازند. نتیجه مستقیم آن است که بعضی حرکات جدید ژیمناستیک که اغلب از هنرهای رزمی شرق آسیا برگرفته شده‌اند در حرکات آکروباستیک (شیرین کاری) که بخشی از یک جلسه تمرین زورخانه می‌باشند به چشم بخورند.<sup>۷</sup>

### فضا و سلسله مراتب

هنگامی که ورزشکاران به زورخانه می‌روند در گود به دور میانداز که در وسط گود قرار می‌گیرد تشکیل یک دایره‌ای می‌سازند. جای دقیق افراد در داخل گود بر اساس یک سلسله مراتب مشخص تعیین می‌شود: ارشدترین اعضاء یا پیشکسوت‌ها جایگاه افتخاری را در کنار مرشد اشغال می‌کنند و در طرفین آنها اعضاء جوان‌تر به ترتیب ارشدیت خود قرار می‌گیرند تا می‌رسد به مبتدیان که در دورترین جایگاه نسبت به سردم مرشد قرار می‌گیرند. با ورود ساختارهای دیوانسالاری مدرن به جهان ورزش‌های ایرانی، سیستم طبقه بندی سنتی که اعضاء جوان‌تر را به مبتدیان (نوجه) و به کارآموزان (نوخاسته) تقسیم می‌نمود به تدریج از بین رفت. به طور خاص،

تأسیس فدراسیون ملی کشتی در سال ۱۹۳۹ باعث به کارگیری دسته بندی های سنی بین المللی و روش های تدریس مشترک گردید که باعث از بین رفتن نظام قدیمی استاد و شاگرد گردید.<sup>۷</sup> ورزشکاران از شلوارهای مخصوص خود فقط در مواقع و مناسبت های خاص و یا در مسابقات استفاده می کنند و در تمرینات روزانه لنگ می بندند.

### وسایل و تمرین ها

از میان وسایل و تجهیزات ورزش سنتی که در گذشته وجود داشته اند چهار وسیله هنوز مورد استفاده قرار دارند. این وسایل عبارتند از: میل که معمولاً به صورت جفت استفاده می شود. جنسش از چوب است و بین دو تا بیست کیلوگرم وزن دارد؛ کباده که عبارت است از یک کمان فلزی سنگین که وزن آن بین دوازده تا شانزده کیلوگرم است و ورزشکاران آن را در بالای سر خود از یک طرف به طرف دیگر تاب می دهند؛ سنگ یا دو تخته چوبی سنگین که وزن هر کدامشان به حدود چهل کیلوگرم می رسد و ورزشکاران هر یک از آنها را در حالیکه به پشت خوابیده اند با یک دست بلند می کنند؛ و تخته شنا که عبارت است از یک الوار یا تخته کوچک که به عنوان پایه ای برای انواع مختلف شنا به کار می رود. ردیابی و پیدا کردن منشأ و نحوه تکامل این وسایل بسیار دشوار است اما احتمالاً میل و کباده از جنگ افزارهای قدیمی ریشه گرفته اند.



در مورد تمرینات مربوط به گرم کردن و یا تمرینات استقامتی و کششی به وسیله یا ابزار خاصی نیاز نیست. از میان این گونه تمرینات و حرکات می‌توان به چرخ اشاره نمود که عبارت است از یک حرکت چرخشی که ورزشکاران به ترتیب از مبتدی تا ارشد به اجرای آن می‌پردازند.

## اصول اخلاقی

طرفداران پروپا قرص ورزش‌های سنتی می‌گویند که زورخانه به تعلیم یک فلسفه زندگی می‌پردازد که یک ریشه باستانی دارد اما اغلب به ارائه اصول اخلاقی و جوانمردی عرفانی اسلامی می‌پردازد. زورخانه که به دلایل کاملاً مشخص فقط محل آمد و شد مردان بوده است در واقع نهادی است که به تمجید از مردانگی سنتی می‌پردازد. می‌توان مردانگی را تقریباً با جوانمردی یکی دانست اما باید به این نکته توجه داشت که در واقع اولی پیش نیازی برای دومی است. بنابراین هر جلسه تمرین فرصتی فراهم می‌آورد تا وظایف اجتماعی حاضران، اعم از ورزشکاران و تماشاگران، به آنها تذکر داده شود. در بین این وظایف می‌توان به مواردی نظیر سخاوتمندی، کمک متقابل به یکدیگر، شجاعت، وفاداری، احترام گذاشتن به سالمندان و رازداری و قابل اعتماد بودن اشاره نمود. این تکرار مجدد ارزش‌های پایه اجتماع به همه افراد این امکان را می‌دهد که تا حدی که لیاقت و شایستگی آن را دارند از یک همبستگی و اتحاد واقعی برخوردار شوند. زورخانه محلی است که در آن افراد می‌توانند در عین حال که خود را از دیگران متمایز می‌کنند به نوعی یکپارچگی اجتماعی نیز دست پیدا کنند. زورخانه محلی است برای برقراری ارتباطات اجتماعی و در عین حال پرورش و تقویت بدن ورزشکاران.

## پیوستگی و بازسازی

هر چند طی هشتاد سال گذشته زورخانه تنها یکی از اماکنی بوده است که افراد می‌توانستند در آن به تمرین‌های فیزیکی و ورزشی بپردازند اما به هیچ وجه نمی‌توان ادعا کرد که این مکان یک مکان فراموش شده و رو به زوال بوده است که توسط جامعه شناسان یا مردم شناسان حیات دوباره یافته است. بر اساس اظهارات رئیس فدراسیون ورزش‌های باستانی ایران در هر روز در مجموع حدود بیست تا سی هزار ورزشکار در تمرین‌های ورزش سنتی شرکت می‌کنند و فقط در شهر تهران حدود ۵۰ زورخانه فعال وجود دارد و به سختی می‌توان در ایران شهر یا شهرکی را یافت که زورخانه نداشته باشد، البته به جز در مناطق ساحلی خلیج فارس.

قوانین و مقررات زورخانه‌ها نیز سعی کرده‌اند خود را با سلايق جديد جامعه ايران تطبيق دهند. از هنگام پايان يافتن جنگ ايران و عراق در سال ۱۳۶۷ فدراسيون ورزش هاي باستاني و كشتي پهلواني ايران به سختي تلاش كرده است تا فعاليت هاي خود را گسترش دهد. اين سازمان به منظور جلب توجه و علاقه رو به افول نسل جوان اقدام به برگزاري مسابقات ملي نمود. استخدام كادر جوان را در دستور كار خود قرار داد و برنامه هاي تمرينات را اصلاح نمود تا تنوع و جذابيت بيشتري داشته باشند. همچنين فرصت هايي براي آموزش كودكان زير شانزده سال فراهم نمود كه به طور سنتي حق ورود به زورخانه را نداشتند. علاوه بر اين، فدراسيون در اجراي اين سياست گذاري ها با فدراسيون هاي استاني همكاري مي كند و اين اقدام به از بين رفتن تمرکزگرايي سال هاي گذشته انجاميده است. تعدادي از حاميان مالي خصوصي (شركت ها، افراد خير، تجار بازار) و بعضي حاميان دولتي (وزارت نفت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، شهرداري ها، آستان قدس رضوي و غيره) اقدام به حمايت مالي از اين فعاليت ها نمودند و در نتيجه باعث تشويق و ترغيب شركت كنندگان شدند. از هنگام انتخاب آقاي محمد خاتمي به عنوان رئيس جمهور ايران در خرداد ۷۶، رؤساي فدراسيون هاي استاني اهميت بيشتري پيدا كردند و در حال حاضر همه آنها در انتخاباتي كه براي گزينش رئيس فدراسيون ملي برگزار مي شود شركت مي كنند.

در اثر اين اقدامات و سياست گذاري ها، تعداد مردان جواني كه به ورزش هاي باستاني روي آورده اند به طرز قابل توجهي افزايش يافته است. نقش فعالتي كه بعضي از فدراسيون هاي استاني (به ويژه در كردستان، خراسان و آذربايجان) برعهده گرفته اند اين اميد را ايجاد كرده است كه از درگيري هايي كه بين سنت گرايان و نوگرايان در تهران به وجود آمده است فراتر روند.

با توجه به ضرورت جلب نظر جواناني كه جوياي نام و اعتبار هستند ورزش هاي باستاني خود را با سليقه ورزشكاران جواني كه تمرين هاي جالاک و سريع (مثل چرخيدن و شيرين كاري) را بيش از تمرين هاي قدرتي (كباده) مي پسندند تطبيق داده است. علت اين تغيير سليقه و علاقه در تكامل و تحول ساير استانداردهاي اجتماعي و هنري جامعه ايران نهفته است كه از زمان ورود ايران به عصر صنعتي به تدريج شكل گرفت. در حال حاضر حركت بيش از سكون اهميت دارد و لاغري نسبت به فربهي كه نشان دهنده رفاه و ثروت بود محبوبيت بيشتري دارد. البته بايد به اين عوامل نقش رسانه هاي صوتي و تصويري امروزي را نيز افزود. اگر كسي بخواهد در رسانه ها مورد توجه قرارگيرد بايد عملكردى «سريع و تماشايي» داشته باشد. در نتيجه در مسابقات تيمي كه مكمّل رقابت هاي فردي گذشته شده اند، ميانداز و مردان كنار وي به انجام حركات و تمرين هاي منظمي مي پردازند كه به دقت طراحي شده اند و امتيازات فني و هنري آنها توسط داوران ارزيابي مي شود.<sup>۱۱</sup>

فدراسیون در مدرن سازی و توسعه ورزش های سنتی تنها نیست و اقدامات محلی و فردی زیادی در این زمینه صورت می گیرد. در قزوین دفتر محلی سازمان تربیت بدنی کشور مدرسه ای برای ورزشکاران جوان ایجاد نموده است، در تبریز شهرداری اقدام به تبدیل حمام های قدیمی و متروکه به زورخانه نموده است، همچنین شرکت ملی نفت ایران نیز در روز زن برنامه ای اجرا کرد تا مادران را تشویق کند تا به فرزندانشان اجازه دهند که در زورخانه حضور یابند. علاوه بر اینها ورزش باستانی از سال ۱۳۷۶ دارای روزنامه اختصاصی نیز هست. رخصت پهلوان هفته نامه ای است که توسط یک روزنامه نگار خبره که کارشناس ورزش باستانی نیز می باشد در تهران منتشر می شود<sup>۱۱</sup>. در مجموع می توان گفت یک تلاش واقعی و جدی برای اطمینان از بقای ورزش باستانی در ایران در حال شکل گرفتن است.

با این وجود بسیاری از افراد با لحنی آندوهگین و غمبار درباره این سنت صحبت می کنند. پهلوانانی که قانون و نظم و اخلاق را در جامعه زنده نگه می داشتند کجایند؟ پهلوانانی که باعث افتخار مملکت بودند کجایند؟ آخرین نفر از این پهلوانان غلامرضا تختی بود که دوبار قهرمان جهان شد (تهران ۱۳۳۸ و یوکوهاما ۱۳۴۰)، در ملیورن مدال طلا کسب کرد (۱۳۳۵) و چندین بار در کشتی سنتی قهرمان ایران شد. وی در سال ۱۳۴۷ به نحو اسفناکی دار فانی را وداع گفت<sup>۱۲</sup>. اگرچه قهرمانان دیگری نیز توانستند پس از وی مدالهایی را برای ایران کسب کنند اما نام این پهلوان همواره با مفاهیمی چون سخاوت و صداقت قرین بوده است. به همین دلیل ایرانیان در مواقعی که اتفاقات ناگواری در میداين ورزشی رخ می دهد بسیار ناراحت شده و از خصایل اخلاقی تختی یاد می کنند که آخرین مورد آن در بازی های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی بود معلوم شد تعداد از که ورزشکاران ایرانی به وسوسه دوپینگ دچار شدند.

تلاش های اصلاحی فدراسیون ورزش های باستانی و کشتی پهلوانی به منظور حفظ میراث ورزشی ایران با مخالفت پیش کسوتان این حوزه مواجه شده است که اصولاً با هرگونه دستورالعمل دولتی مخالفند و اقدامات فدراسیون که عادات و سنن آنها را به هم می زند، دل خوشی ندارند. به طور سنتی در جهان ورزش های سنتی سلسله مراتب توسط رأی اکثریت تعیین می شود و جمعی از پیشکسوتان در مورد ارتقاء افراد در سلسله مراتب تصمیم گیری می نمایند. در نتیجه یک زورخانه کار قدیمی تنها به کسی احترام می گذارد که او را شایسته احترام می داند؛ کسی که مجموعه کاملی از نشانه های هویتی، شناسه های فرهنگی و رفتارهای خاص و شناخته شده ای را دارا باشد. این اصول سازمانی با روش های دیوانسالاری<sup>۱۳</sup> که توسط فدراسیون ارائه می شوند هماهنگی و همخوانی ندارند.

منتقدان سنتی معتقدند زورخانه امروز تنها سایه‌ای از گذشته خود می‌باشد و خاطره گذرایی است از جهانی که برای همیشه از بین رفته است. هر بار که نام یکی از بزرگان این دوران برده می‌شود زمانی است برای اظهار تأسف برای از بین رفتن این جهان. اما این جهان به طور دقیق چگونه جهانی است یا بوده است، پرسشی است که در ادامه سعی خواهیم کرد از طریق تحلیل شجره نامه و تبارشناسی هویت ساختاری زورخانه به آن پاسخ دهیم.

### تفسیر و تناقض

در مورد منشأ و ریشه شکل‌گیری زورخانه اختلاف نظر وجود دارد. مسلم آن است که حرفه کشتی‌گیری که تا قرن بیستم نیروی محرکه زورخانه به حساب می‌آمد به طور تدریجی بین قرون سیزدهم تا پانزدهم میلادی جایگاه ویژه‌ای را در جهان اسلام به دست آورد. در اوایل قرن سیزدهم اگرچه کشتی‌گیران با اهل تصوف ارتباط پیدا کرده بودند اما هنوز هم در اذهان مردم با هنرمندان دون پایه‌ای که اقدام به معرکه‌گیری می‌کردند مرتبط بودند. این گروه افرادی بودند که بعدها در دوره صفویه نام عمومی لوطی به آنها اطلاق شد. آنجلو پیمونتس بر این نظر است که کشتی‌گیران دوره‌های ایلخانی و تیموری ارتباط دو سویه خود را با یک گروه فتوت دارای احترام و یک گروه صوفی محبوب دو چندان نمودند تا حرفه خود را از یک تفریح و سرگرمی ساده به یک هنر شناخته شده و با ارزش تبدیل نمایند. در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۸-۱۵۰۶) بود که این دگرگونی و تبدیل به نمر نشست و دو فصل از دو کتاب به کشتی اختصاص یافت. اولین مورد بنا به دستور حکمران و به منظور بزرگداشت کشتی‌گیر مورد علاقه وی، درویش محمد<sup>۱۴</sup> نگاشته شد و دومین مورد یک فصل از کتاب فتوت نامه کاشفی بود که ویژگی‌ها و خصایل با اهمیتی را برای کشتی‌گیران برشمرده بود. با این وجود در این کتاب نیز شرح حال کشتی‌گیران و هنرمندان در یک فصل از کتاب گنجانده شده بود<sup>۱۵</sup>.

بنابراین به نظر می‌رسد زورخانه و برنامه‌های ژیمناستیک آن هنگامی به وجود آمدند که کشتی به یک حرفه آبرومند تبدیل شده بود، اگرچه به نظر می‌آید که تا قبل از پایان قرن هفدهم میلادی در کتاب‌های فارسی هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. در این دوران که هنوز کشورها به شکل فعلی درنیامده بودند کشتی‌گیران به طرزی گسترده به نواحی بسیاری سفر می‌کردند؛ از شهرهای بزرگ ایران گرفته تا الجزیره و آسیای مرکزی و از قسطنطنیه تا کلکته<sup>۱۶</sup>. با تأسیس سازمان ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی در سال ۱۳۱۳ و فدراسیون کشتی ایران در سال ۱۳۱۸، ایران جدید رضا شاه الگوی غربی تربیت بدنی را که از اوایل قرن نوزدهم به وجود آمده بود به کار گرفت

و فرهنگ ورزشی بومی خود را به حوزه «سنت» منتقل نمود. در این مقطع بود که زورخانه به یک شیء تاریخی تبدیل شد و به بحث های هویت ملی پیوست و در عین حال همانطور که در ابتدای این مقاله دیدیم کشتی متداول در آن نیز به «ورزش باستانی» و «کشتی پهلوانی» تغییر نام داد.

در اواخر دهه ۱۳۲۰ به تدریج تفاسیر و تعبیری درباره سنت زورخانه به ویژه در نوشته های مهم محمد تقی بهار در مورد جوانمردی ارائه شدند.<sup>۱۷</sup> به دنبال بهار افراد دیگری نیز به شرح و بسط این موضوع پرداختند.<sup>۱۸</sup> اگرچه تمام این مطالعات فقط به طور گذرا به زورخانه پرداخته‌اند اما در ضمن به تاریخچه‌هایی از این مؤسسه اشاره کرده‌اند که آن را با توجه به دیدگاه سیاسی نویسندگان به عنوان محلی برای پرورش قهرمانان و مرکزی برای مبارزه با متجاوزانی که در طول تاریخ طولانی ایران آن را به اشغال خود درآورده بودند و یا جایگاهی برای افرادی که از حقوق مردم در برابر ظالمانی دفاع می‌کردند نیز معرفی می‌نمودند.<sup>۱۹</sup> پس از پیروزی انقلاب ۵۷ به دلیل همدستی پیشین یکی از طرفداران مشهور و با نفوذ ورزش های باستانی، شعبان جعفری، با رژیم شاه زورخانه‌ها برای مدتی به حالت تعلیق درآمدند،<sup>۲۰</sup> اما با احیای مجدد آن در اواسط دهه ۱۳۶۰، رهبران جوان فدراسیون جدید ورزش باستانی و کشتی پهلوانی با تاکید آگاهانه بر زمینه‌های اسلامی و عرفانی این موضوع درصدد بازسازی آن برآمدند. این گفتار که توسط مسئولان نظام مورد تایید قرار گرفت، باعث شد که زورخانه‌ها ایمن بمانند.<sup>۲۱</sup>

با وجود تمام این مباحث تمجیدآمیز هنوز هم در اذهان اکثریت مردم، زورخانه محل تجمع اشرار (گردن کلفت، سیبیل کلفت، جاهل) و افرادی است که حاضرند زوربازوی خود را در اختیار کسانی قرار دهند که پول بیشتری به آنها می‌پردازند. افرادی که دست به شرارت و اعمال قبیحی که از نظر جامعه ایران بسیار زشت و ناپسند بود، از لابلایگیری تا باج گیری و اخاذی، می‌زدند و از این منظر شهره خاص و عام بودند. این بی‌آبرویی و بد نامی تاریخچه دور و درازی دارد. در دوره قاجار بعضی از سرشناسان محلی اعم از معمم و مکتلا با رهبران دار و دسته های محلی که با زورخانه ها در ارتباط بودند معاشرت می‌کردند تا قدرت خود را در مقابل رقبای و حتی دولت محلی افزایش دهند.<sup>۲۲</sup> در نتیجه بعدها زورخانه متهم به پرورش و نگهداری از اشراری گردید که رهبران تبهکاران محلی از آنها برای رسیدن به اهداف پلیدشان استفاده می‌کردند.

حقیقت آن است که نوعی دوگانگی درباره «مردان قوی» ایرانی وجود دارد که از آنها هم به عنوان قهرمان تصویری ارائه می‌دهد و هم به عنوان اراذل و اوباش. هنوز هم جهان زورخانه به شکلی ظالمانه و با بی‌انصافی از این تصویر رنج می‌برد و برای رفع این معضل و حل و فصل آن بازها و بارها تأکید شده است که ریشه زورخانه از ابتدا شرافتمندانه و قابل احترام بوده اما بعدها در زمان



سلطنت ناصرالدین شاه به انحطاط و گمراهی کشیده شده است. اما حقیقت آن است که این دیدگاه هیچ پایه و اساسی ندارد: شرافت و درستکاری پهلوان‌های قبل از دوره قاجار مطلبی است که همواره فقط بر آن تأکید شده است هیچگاه به اثبات نرسیده است. به راستی اگر این تضاد و دوگانگی دارای ریشه و اساسی قدیمی باشد اما چگونه می‌توان آن را تشریح و حل و فصل نمود؟

به نظر می‌رسد از همان ابتدا در مورد افرادی که به زورخانه رفت و آمد می‌کردند (به ویژه در مورد افرادی که از توانایی‌های بدنی خود برای کسب روزی استفاده می‌کردند) نوعی سردرگمی و ابهام وجود داشته است. برای برده برداشتن از این مسأله و پاسخ گویی به آن فقط سه رساله و متن قدیمی در اختیار داریم که در آنها به نوع تمرینات انجام شده در زورخانه اشاره شده است: متنی از یک نویسنده ناشناس در اواخر دوره صفویه به نام *طومار افسانه پوریای ولی*<sup>۲۳</sup>، یک مثنوی سروده شده به سال ۱۷۰۰ میلادی توسط میر نجف اصفهانی به نام *گل کشتی*<sup>۲۴</sup>، و همچنین یک متن جدیدتر تحت عنوان *گنجینه کشتی* که در سال ۱۸۷۵ میلادی توسط علی‌اکبر ابن مهدی کاشانی<sup>۲۵</sup> نوشته شده است. قابل ذکر است که در هر سه این متون بین تمرینات روزمره واقعی و گفتار ایده-آلیستی که در اواخر قرن پانزدهم میلادی در دربار تیموریان در هرات بر این اساس شکل گرفتند، نوعی تضاد و کشمکش وجود دارد. هدف این بحث‌ها مشروعیت بخشیدن به کشتی بود. در این بحث‌ها جهانی‌بینی عرفانی و مذهبی آن دوران که برای ورزش و از آن جمله کشتی توجیه فرهنگی‌ای ارائه می‌داد، منعکس شده بود.



سه موضوع مختلف با استفاده از کشتی به عنوان یک استعاره شکل گرفتند: تلاش و مبارزه فرد معتقد در مقابل نفس خودش برای رسیدن به نور و روشنایی عرفانی، بحث روشنفکرانه دربارهٔ مشروعیت زور در جامعه<sup>۲۶</sup> و همچنین خلط ابعاد اجتماعی و عرفانی فتوت و جوانمردی که راهنمای مردان شمشیر، عرفا و پیشه‌وران است باعث شد که کشتی از حال و هوایی قابل احترام برخوردار گردد. دقیقاً به همین دلیل باعث شد که به تمامی دلایل سویه‌های روزمره و مردمی زورخانه از دید اولین محققان پوشیده ماند؛ و از آن جمله این که بیشتر افرادی که در این تمرینات شرکت می‌کردند عمدتاً از طبقات پایین بودند و بسیاری از آنها به جای آنکه به دنبال نور و روشنایی عرفانی باشند از مهارت های خود برای سرگرم نمودن دیگران و کسب روزی استفاده می‌کردند. یکی از گردشگران قرن هفدهم میلادی، سرجان شاردن در کتاب خود می‌نویسد:

کشتی ورزش مردمانی است که در طبقات پایین تر قرار دارند و در حالت کلی می‌توان گفت که ورزش فقرا و محرومان است. نام محلی که این افراد در آن تمرین می‌کنند زورخانه است. خان‌ها و اشراف و به ویژه حاکمان ایالات و ولایات در خانه‌های خود زورخانه می‌سازند تا افرادشان در آنها به تمرین و ورزش بپردازند. در هر شهر دسته‌هایی از این کشتی‌گیران نیز به کارهای نمایشی می‌پردازند. آنها کشتی‌گیران را پهلوان می‌نامند. این واژه نشان دهنده و بیانگر شجاعت و جسارت این افراد است. آنها برای سرگرم کردن مردم در مقابل آنها به تمرین می‌پردازند چرا که همان‌طور که گفتم این برنامه یک نمایش است.<sup>۲۷</sup>

بنا به دلایل مذکور بهتر است سعی کنیم بفهمیم این ورزشکاران به طور دقیق چه کسانی بودند و چه نقشی در به وجود آمدن این تصویر متناقض از زورخانه ایفا کرده‌اند.

### سه شخصیت نمادین زورخانه

در اروپا ریشه‌های این مسأله که تمرینات ورزشی می‌توانند منافع بهداشتی و آموزشی به همراه داشته باشند و در سلامت جامعه مفید و تأثیر گذار باشند به دوران معاصر باز می‌گردد. این اندیشه در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم شکل گرفت و در اواخر قرن نوزدهم میلادی به شکلی گسترده مورد پذیرش و استفاده کارشناسان آموزشی قرار گرفت. از این منظر، اینکه مسئولان ایرانی دارالفنون در سال ۱۸۷۵ رساله‌ای را در مورد کشتی و ژیمناستیک، بر اساس تمرینات زورخانه‌ای، تهیه کرد جالب توجه است.<sup>۲۸</sup> اما این فکر دنبال نشد و هنگامی که حدود نیم قرن بعد در سال ۱۳۰۶ و پس از آن در سال ۱۳۱۳ تصمیم گرفته شد که آموزش‌های ورزشی و تربیت بدنی جزوی از دروس آموزشی باشند، به جای آن که از تجربیات بومی استفاده شود از الگوهای غربی استفاده شد.

چرا مسؤولان ایرانی برای اتخاذ این تصمیم چنین زمان درازی را صرف نمودند و چرا تا این حد تأخیر کردند؟ اگر کسی به بررسی رویکرد سایر ملل آسیایی در قبال تربیت بدنی که در ابتدای قرن بیستم میلادی به ورزش های مدرن تبدیل شدند بپردازد درمی یابد که این تکنیک ها یا متعلق به طبقه اجتماعی برتری بودند که در اوقات فراغت خود به ورزش می پرداختند و یا به سربازان و هنرمندانی تعلق داشتند که از آنها برای کسب درآمد و اداره زندگی خود استفاده می کردند. هر کدام از این فعالیت ها راه و رسم و ضوابط خاص خود را داشتند و متضمن شیوه زندگی خاصی بودند. در نتیجه با توجه به این مسأله که گروه های مختلفی به این ورزش ها می پرداختند نمی توان با مشاهده تعدادی از این گروه ها نتایج کلی ای در مورد سایرین استنتاج کرد. این چندگانگی شاید توضیحی باشد برای عدم استفاده از تمرینات سنتی در تربیت بدنی ای که در مدارس ارائه می شد. از این رو شاید لازم باشد به دنبال پاسخ به این پرسش باشیم که اعضای زورخانه تا پیش از آغاز قرن بیستم چه کسانی بودند و به چه حرفه هایی می پرداختند؟

برای پاسخ به این پرسش می توان به تذکره الملوک میرزا سمیعا رجوع کرد که رساله ای اداری است که در اواخر دوره صفویه نوشته شده است. در این کتاب در فهرست مقامات رسمی دربار با اسامی پهلوان باشی، لوطی باشی و شاطر باشی رو به رو می شویم. هنگامی که واژه ترکی «باشی» به نام یک حرفه اضافه می شده است نشان دهنده این امر بوده است که این فرد یا مقام، واسطه رسمی بین دربار و یک اتحادیه صنفی بوده است.<sup>۱۹</sup> باشی مربوطه به عنوان نماینده ممتاز از طرف اتحادیه خودش، مسؤول استخدام افرادی بود که می بایست در دربار خدمت کنند. در نتیجه او سعی می کرد بهترین افراد را استخدام کند و درباره شرایط استخدام نظیر میزان حقوق، محل استقرار و زندگی، وظایف شغلی و سایر موارد با آنها مذاکره می نمود. به عنوان مثال پهلوان باشی که مسؤولیت اداره امور کشتی گیران را بر عهده داشت علاوه بر سایر مسؤولیت ها وظیفه داشت یک مسابقه سالانه در عید نوروز با حضور شاه برگزار نماید. قهرمان این مسابقات در آن سال از طرف شاه پهلوان پایتخت ملقب می گشت.

القاب این کارمندان درباری نشان دهنده سه چهره نمادین فرهنگ زورخانه تا پایان دوره قاجار است. این القاب وجود سه طبقه بندی حرفه ای شناخته شده را که هویت اجتماعی زورخانه را تشکیل می دادند تأیید می کنند. نگاهی دقیق تر به لوطی و شاطر درک بهتری از شهرت و اعتبار متناقض زورخانه به دست می دهد.

## لوطی

در تذکره الملوک عنوان لوطی باشی به عنوان سردسته دلک‌ها و بندبازهای شاه آمده است. اما درست بر خلاف آن، میرزا نجف اصفهانی در گل‌کشتی در سال ۱۷۰۰ از واژه لوطی به مفهوم «یار و دوست خداوند» استفاده کرده است.<sup>۲۰</sup> این مسأله صحیح است که واژه لوطی، در بین سایر معنای خود، معنای «دوست و یار» را نیز دربرمی‌گیرد ولی بسیاری از افراد آن را برگرفته از ریشه لوط می‌دانند که نام پیامبر یکی از قوم‌های قدیمی است و البته شاید هم به معنای «گمراه» باشد و از لغت لواط نشأت گرفته باشد که همواره با زورخانه در ارتباط بوده و شهرت و اعتبار آن را زیر سؤال برده است. در اواسط قرن بیستم میلادی، این واژه دربرگیرنده یک روش زندگی، گویش و مجموعه‌ای از رفتارها بود که به رهبران گروه‌های اراذل و اوباش اطراف شهرها تعلق داشت. این واژه دربرگیرنده افرادی بود که رفقای بسیار گرم و خوبی برای هم بودند و زنباره یا زن باز بودند؛ اینان افرادی بودند که بعضی از هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذاشتند اما در بین افراد جامعه جنایت کاران و متخلفین محترم و شناخته شده بودند؛ همان‌طور که در داستان کوتاه *دانش آکل* نوشته صادق هدایت و یا در فیلم *قیصر* به تصویر کشیده شده است.<sup>۲۱</sup> این افراد معمولاً زور بازو و شبکه‌ی مریدان و هواداران خود را در اختیار افراد با نفوذ محلی می‌گذاشتند تا به آنها در اعمال اقتدار بر یک محله، که اولین گام برای به دست گرفتن کنترل یک شهر به حساب می‌آید، کمک می‌کنند.<sup>۲۲</sup> تغییر معنای لوطی باید در اواسط قرن نوزدهم رخ داده باشد چون در ابتدای آن قرن، لوطی‌ها هنوز به عنوان صاحبان یکی از مشاغل شناخته می‌شدند. این مسأله در متن زیر نیز مشاهده می‌شود:

بسیاری از اشراف زادگان گروه‌هایی از گرجستانی‌های جوان را در اختیار می‌گرفتند که می‌توانستند آواز بخوانند و چندین ساز بنوازند و حرکت‌های انعطافی اعجاب‌آور انجام دهند. افرادی که دارای رتبه و جایگاه اجتماعی پایین‌تری بودند نوازندگان و رقاصان را از بیرون به مجالس خود دعوت می‌کردند. علاوه بر اینها طبقه‌ای از مردم هم بودند که به نام لوطی شناخته می‌شدند. این افراد از این‌خانه به آن‌خانه حرکت می‌کردند و برای میزبان داستان‌های ماجراجویانه‌ای را تعریف می‌کردند که بسیار زشت و مبتذل بودند؛ همچنین این افراد چشم‌بندی هم بلد بودند و به غیب‌کردن اشیاء مختلف می‌پرداختند.<sup>۲۳</sup>

در نتیجه حاکمان ایران نیز تعدادی از این گروه‌های سرگرم‌کننده را در اختیار داشتند و لوطی‌باشی دربار نیز مسؤلیت سازماندهی آنها و برگزاری مراسم را بر عهده داشت. ردپای این گروه‌های سرگرم‌کننده در تمرینات زورخانه نیز در حرکتی به نام *میل بازی* به جای مانده است که در آن

ورزشکار با دو یا سه یا چهار میلی در حالی که روی نوک پای خود راه می رود به بازی و حرکات آکروبانیک می پردازد. همچنین حرکت دیگری هم وجود دارد که در آن ورزشکار روی دست های خود راه می رود و سرش را روی زمین گذاشته و باهایش را به بالا می برد.

## شاطر

بر اساس فرهنگ فارسی معین لغت شاطر دارای چهار معنی است: ۱- باهوش، ۲- چالاک و فرز، ۳- نانوایی که خمیر را در تنور قرار می دهد، و ۴- بیک سلطنتی که نامه ها و پیام ها را حمل می کند.<sup>۲۴</sup> مطلبی که این فرهنگ لغت به آن اشاره نکرده است این است که شاطر این کار را با ریتم خاصی انجام می دهد. وی با جست و خیز های کوتاه قرص خمیر را از ورزدهنده می گیرد، آن را صاف و مسطح می کند و در تنور قرار می دهد. این جزئیات بسیار مهم هستند و به ما کمک می کنند تا به معنای تغییر شکل یافته و به ظاهر نامرتبط این واژه پی ببریم؛ در واقع این لغت به یک اتحادیه صنفی اشاره دارد متشکل از افراد پیشخدمت و بیک های نامه و پیغام بر که وظایف مختلفی را برعهده داشتند. این وظایف در فاصله بین قرن شانزدهم تا اوایل قرن بیستم میلادی به تدریج شکل گرفته و تکامل پیدا کردند.

قرن سیزدهم میلادی مارکو پولو در چین از افرادی به نام شاطر یاد می کند که در خدمت خان بزرگ بوده اند و این بطوطه نیز در قرن چهاردهم میلادی در هندوستان از وجود افرادی با همین نام یاد می کند. هنگامی که این بطوطه در شهر مولتان هندوستان منتظر جواز سفر بوده است به وجود دو نوع بیک در این شهر اشاره می کند. یکی از این دو گروه با استفاده از اسب و گروه دیگر به شکل پیاده نامه ها و پیام ها را جا به جا می کردند. بیک پیاده قادر بود نامه ها را به صورت امدادی به مسیرهای دوری مثل دهلی انتقال دهد و در ورودی هر شهر سه غرفه وجود داشت که در آنها نیروهای تازه نفس آماده بودند تا جایگزین بیک های از راه رسیده بشوند.<sup>۲۵</sup>

در ایران شاطرها هم نقش نامه رسان و پیغام بر را بر عهده داشتند و هم به عنوان پیشخدمت هایی بودند که به همراه یا در پیشاپیش فردی که آنها را استخدام کرده بود حرکت می کردند. آنها یک عصای بلند در دست می گرفتند و کمربندی به خود می بستند که سه زنگوله به آن بسته شده بود. آنها با این کار ورود خود را اعلام کرده و راه را برای اربابشان باز می کردند. مامبره، در مورد شاه طهماسب می نویسد:

هنگامی که شاه حرکت می کرد ۱۰ نفر پیاده پیشاپیش وی راه می رفتند که به نام شاطر شناخته می شدند. همه آنها دامن های پارچه ای سفیدی می پوشیدند که کوتاه بوده و تا سر زانویشان

می رسید؛ شلوار به پا می کردند؛ کلاه بر سر می گذاشتند و در جلوی کمر بندشان یک زنگوله آویزان می کردند<sup>۳۶</sup>

علاوه بر این موارد، *شاطرها* برای خوش آمد گویی و استقبال از مهمان های مهم نظیر سفرا نیز فرستاده می شدند تا آنها را به محل اقامتشان همراهی کنند. در اواسط قرن هجدهم کاروان یکی از مسافران ایتالیایی به نام جیووانی جملی کاری که در صحرا گم شده بود توسط *شاطری* که برای استقبال از وی اعزام شده بود پیدا شد<sup>۳۷</sup>.

تاورنیه توصیف کاملی از برنامه های ارائه می دهد که با انجام آن یک *شاطر* به عضویت اتحادیه صنعتی *شاطران* در می آمده است. متقاضی عضویت می بایست فاصله بین میدان اصلی اصفهان به نام میدان شاه و یک تخته سنگ که در فاصله حدود شش کیلومتری قرار گرفته بود را دوازده بار بدود و این کار را بین طلوع و غروب آفتاب به انجام برساند. هر بار که این شخص به میدان می رسید تعدادی خدمتکار که به دعوت رئیس اتحادیه دعوت شده بودند عرق او را پاک کرده و او را تر و خشک می کردند. در نهایت او به طور رسمی از طرف *شاطران* شاه به عضویت اتحادیه *شاطران* پذیرفته می شد<sup>۳۸</sup>.

شرح حال *شاطران* نامه رسان یا پیک در منابع فارسی نیز به خوبی آمده است. اعتماد السلطنه در یکی از کتاب هایش می نویسد که تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه کارکنان دربار شامل افراد زیر نیز بودند: یک *شاطرباشی* که ریاست *شاطرخانه* را بر عهده داشت، یک نایب یا معاون، یک سررشته دار یا دفتردار، یک مشرف یا ناظر بر هزینه ها و تعدادی *تحویلدار* یا پیک که در واقع این مورد آخر وظیفه اصلی *شاطران* را نشان می دهد<sup>۳۹</sup>. پیر آندره فوریه که پزشک شاه بود در ۱۴ سپتامبر ۱۸۸۹ در بازگشت از ایران به اروپا *شاطران* همراهی کننده کالسکه حامل شاه را چنین توصیف کرده است:

در کنار هر اسب و نزدیک در هر کالسکه شش مرد قد بلند قرار می گرفتند که جوب دستی های بلندی داشتند و کلاه های بسیار عجیب و منحصر به فردی به سر می گذاشتند. اینها دوندگان شاه (*شاطرها*) بودند<sup>۴۰</sup>.

به کمک توضیحاتی که همسفر فوریه، یعنی اعتمادالسلطنه، به او ارائه داد وی تفاوت بین *شاطرهای* را که به طور مستقیم به شخص حکمران وابسته بودند و *فراشان* که مسؤول برپاداشتن و جمع کردن چادرها و کشیک دادن بودند را به روشنی تفکیک کرده است. *شاطران* به طور دقیق در همان راهی که شاه با کالسکه اسب دار خود حرکت می کرد، می دویدند. در نتیجه این مردان پر استقامت که

اتحادیه صنفی‌شان به طور مستقیم زیر نظر خود حکمران اداره می‌شد برای مدت چندین قرن در دربار پادشاهان حضور داشتند.

با به وجود آمدن روش‌های ارتباطی سریع‌تر در اوایل قرن بیستم میلادی، شاطرها صرفاً به یک گارد احترام و تشریفات تبدیل شدند که قاجارها تا پایان دوره سلطنت خود از آنها استفاده می‌کردند. رضا شاه با پشت کردن به روش‌های سنتی قدرت نمایی به کار این اتحادیه پایان داد. شخصیت شاطر تا چند سال بعد از آن نیز جای خود را در نمایش‌های سنتی ایرانی به نام تعزیه حفظ کرد تا این که رضاشاه در دهه ۱۳۱۰ اجرای این نمایش‌ها را ممنوع کرد. هنگامی که تعزیه دوباره در دهه ۱۳۳۰ پدیدار گشت شاطرها به بوته فراموشی سپرده شده بودند. بعضی از ورزشکاران قدیمی دوره قاجار که پرتو بیضایی در اواخر دهه ۱۹۵۰ با آنها مصاحبه کرد شاطرها را به خاطر داشتند. شاطران نیز همانند کشتی‌گیران و لوطی‌ها تا سال ۱۳۰۴ به زورخانه رفت و آمد می‌کردند اما بیشترین میزان تمرینات آنها به دوره‌ای طولانی اختصاص داشت. وجود یک وسیله تمرینی به نام تخته سلنگ که در حال حاضر دیگر از آن استفاده نمی‌شود نشان دهنده آن است که کشتی‌گیران و شاطرها در گذشته به همراه هم تمرین و ورزش می‌کردند. این وسیله عبارت بوده است از یک الوار چوبی که روی دیوار کنار گود قرار می‌گرفته و ورزشکاران سعی می‌کردند در حالی که به بالا می‌پرند با هر دو پا آن را لمس کنند. همچنین از آن برای انواع مختلف پشتک زدن نیز استفاده می‌کردند.<sup>۱۱</sup>



در حال حاضر بعضی از تمریناتی که برای گرم کردن استفاده می‌شوند به شاطر‌ها نسبت داده می‌شود. برای مثال می‌توان به پازدن یا دویدن درجا و همچنین بعضی حرکات نرم کردن مچ پا و دست اشاره نمود. این حرکات نرمشی به جست و خیزها و پرش‌های کوتاه شاطر نانوايي شباهت بسیاری دارند.

### شاطران و لوطی‌ها در اذهان عمومی

تنها ردپایی که از شاطر در اجتماع معاصر ایران بر جای مانده است همان شاطر نانوايي است که با جست و خیز خمیر نان را در تنور قرار می‌دهد. واژه لوطی طبقه خاصی از مردان را مشخص می‌کند که از یک رشته خصوصیات اخلاقی نا مشخص و سؤال برانگیز برخوردار می‌باشند. البته در یک تعبیر و برداشت کاملاً معکوس گاهی لغت لوطی اشاره به افرادی دارد که با وجود آن که چندان هم‌نشینان قابل احترامی نیستند اما بسیار زیرک بوده و نوع خاصی از احترام و دوستی بین آنها برقرار است.<sup>۴۲</sup> در نتیجه این واژه با توجه به حال و هوا و موقعیت استفاده می‌تواند معانی مثبت یا منفی داشته باشد؛ برای این که زیرکی در واقع هم لازمه داشتن یک زندگی فارغ البال و بی خیالانه است و هم لازمه موفقیت در کسب و کار.

برای درک بهتر این مسأله که ارزش‌های مربوط به لوطی‌ها و شاطر‌ها چگونه در اذهان عمومی باقی مانده‌اند باید شخصیت سومی را نیز در فرهنگ عامه ایران معرفی نماییم که عبارت است از عیار. این شخصیت از قرن دهم میلادی و از هنگامی که داستان‌های محبوب سمک عیار و داراب نامه نوشته شدند در ایران به چهره‌ای شناخته شده تبدیل گردید. اما بین قرن دهم تا دوازدهم میلادی معنای لغت عیار تغییر کرد و از معنای اصلی آن که به یک دسته یا گروه اجتماعی تعلق داشت (به معنی دسته‌ای از سربازان مزدور) به صفتی تبدیل شد که از زیرکی و هوشیاری حکایت می‌کرد.<sup>۴۳</sup> اگرچه معمولاً عیار را سلف پهلوان به شمار می‌آورند، اما باید بین آنها تفاوت قائل شد. همان طور که در ادامه خواهیم دید پهلوان معمولاً با مشخصه و صفت جوانمردی شناخته می‌شود در حالی که مشخصه بارز عیار هوشیاری و زیرکی است. یکی از نسخه‌های متأخر و شناخته شده اسکندر نامه که به اواخر قرن نوزدهم میلادی تعلق دارد به خوبی ارتباط بین عیار و شاطر را مشخص می‌کند. در این کتاب مطالبی در مورد عیارانی وجود دارد که از حمایت شاه، یعنی اسکندر، برخوردار بوده‌اند و به واسطه امنیت ناشی از حمایت شاه قادر بودند از تجار بازار اخاذی کنند. جالب این که برخی از تصاویر کتاب که قصد دارند عیاران را به تصویر بکشند در واقع تصاویری از شاطر‌ها در اختیار می‌گذارند، بسیاری از داستان‌ها و حکایت‌های این کتاب از مدل‌های قرن



نوزدهم میلادی برگرفته شده‌اند.<sup>۴۴</sup> بنابراین مشاهده می‌کنیم که در اواخر قرن نوزدهم هوشیاری و زیرکی، که کیفیتی ممتاز است که با واژه عیّار نشان داده می‌شود، با تصویر یکی از مردان سلطان به تصویر کشیده می‌شود که شاطر نام دارد؛ این واژه نیز در فرهنگ معین با واژه «با هوش» مترادف است. راه و روش های اخاذی از بازاریان توسط عیّاران، که با لباس و هیبت شاطرها نشان داده شده‌اند، به روش های لوطی هایی که به زورخانه رفت و آمد می‌کردند بی‌شبهت نیست. در حالی که دو شخصیت نمادین فوق، یعنی لوطی و شاطر، در واقع پایه و اساس بی‌آبرویی و بدنامی زورخانه هستند، شخصیت سوم یعنی پهلوان در برگزیده سوبه‌های مثبت زورخانه است: عیّار، شاطر و لوطی به زیرکی معروفند اما پهلوان به جوانمردی شهره گشته است.

## پهلوان

واژه پهلوان دارای چهار معنا است: قهرمان، شجاع، برنده و ورزشکار. سه معنای اول به طور مستقیم به قهرمانان اسطوره‌ای شاهنامه اشاره دارند: رستم جهان پهلوان نامیده می‌شود. در ایران پیش از اسلام، پهلوان عنوانی نظامی بود و همانطور که ماریتا گیلارد نشان داده است راه و رسم و اصول اخلاقی اسلامی که به نام جوانمردی شناخته می‌شود به این پهلوانان برمی‌گردد و از آنها نشأت می‌گیرد.<sup>۴۵</sup> به دلیل وجود چنین اشاراتی، برخی چنین نتیجه گرفته‌اند که ریشه زورخانه به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد.<sup>۴۶</sup> اما به همان اندازه می‌توان فرض کرد که معنی واژه پهلوان در طول چندین قرن تغییر کرده است و این واژه هیچ سابقه‌ای در دوره پیش از اسلام ندارد مگر این حقیقت واضح و روشن که رهبران جنگی می‌بایست از نظر بدنی آماده و سر حال باشند. البته با توجه به اینکه شواهد و مدارک مستدلی وجود ندارد نمی‌توان از این بحث به نتیجه قابل قبولی رسید. اما در ایران اسلامی لغت پهلوان فقط به معنای کشتی گیر بوده است. همچنین با وجود آنکه همواره ادعا می‌شده است که کشتی گیران افرادی فرهیخته و معنوی هستند و فعالیت و ورزش آنها نیز به عنوان انعکاس و استعاره‌ای از ملاحظات معنوی و اخلاقی مطرح بوده است، اما در زندگی واقعی اکثریت این افراد از طبقات پایین اجتماع بوده و زندگی چندان مناسب و خوبی نداشتند. نام های فنون کشتی و همچنین نام های خود کشتی گیران نشان دهنده آن است که ریشه آنها به محیط های بازار و اتحادیه های صنفی و صنعتی بر می‌گردد.

بیش از نقاط عطف دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰، فعالیت های فیزیکی و ورزشی در ایران نشانه‌های شناسی عملی اجتماعی روشنی دارد و کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، افراد مشخصی

هستند. همهٔ اینها به جای خود اما پرسش‌هایی که مطرح می‌شود آن است که کشتی‌گیران چه کسانی بودند و حرفه یا شغل را به چه صورت انجام می‌دادند؟

مدارک و متونی که بتوان بر اساس آنها به این پرسش‌ها پاسخ داد بسیار نادر و کمیاب هستند. غنی‌ترین مورد موجود در اواخر دورهٔ صفویه نگاهشده شده است و *طومار افسانهٔ پوریای ولی* نام دارد.<sup>۴۷</sup> این کتاب رساله‌ای است که ریشه‌های ورزش کشتی را از طریق اسطورهٔ قدیس این ورزش یعنی *پوریای ولی* ارائه می‌کند. ابتدا لازم است روایت این مرد افسانه‌ای که منبع مشروعیت، کشتی‌گیران بود را بازگو کنیم. *پوریای ولی* شخصیتی است در فصل مشترک افسانه و تاریخ، زیرا در همان دوره‌ای که هنوز خودش زنده بود نیز افسانه‌هایی که حول شخصیت وی شکل می‌گرفتند هیچ ارتباطی با حقایق زندگی وی نداشتند. نام وی به عنوان یک قدیس در ابتدای قرن هجدهم نیز هنوز به عنوان یکی از ذکرهای صوفیان به حساب می‌آمد.<sup>۴۸</sup>

### پوریای ولی

در سال ۱۳۲۲ میلادی در وادی خیوه مردی از دنیا رفت که آموزش‌های عرفانی‌اش تا دو قرن بعد مورد احترام کشتی‌گیران آسیای مرکزی، ترکیه و ایران بود.<sup>۴۹</sup> این مرد پهلوان محمود "پور-یار" خوارزمی بود که در دورهٔ معاصر در ایران به نام *پوریای ولی* شناخته می‌شود.<sup>۵۰</sup> او که تخلص *قتالی* (به معنی مبارز) را برای خود برگزیده بود قطعه شعری از خود به جای گذاشته است که تمام آموزش‌های او را خلاصه کرده است: در این آموزه‌ها غلبه برخشم، عبور از ظواهر، ترک غرور ناشی از قدرت بدنی و حرکت به سمت نور و روشنایی عرفانی توصیه شده است.

*پوریای ولی* در قرن سیزدهم در شهر اورگنج در منطقهٔ خوارزم چشم به جهان گشود. این منطقه که در دوران مغول‌ها به تصرف آنها درآمده و ویران شده بود در دوران وی دوباره در حال شکوفایی و رشد بود. او رهبر کشتی‌گیران حاکم خیوه بود که از طرف خان بزرگ بر این ناحیه حکومت می‌کرد. در واقع شهر خیوه در پی دودستگی حاصل از مرگ چنگیز خان و تقسیم متصرفات وی بین وراثش به خان بزرگ رسید.

*پوریای ولی* در اوج دورهٔ شغلی خود در یک مسابقهٔ کشتی با یک حریف جوان هندی که در حضور حاکم برگزار می‌شد به نوعی اشراق و هدایت عرفانی دست یافت.<sup>۵۱</sup> او که در اثر دیدن اشک‌های مادر قهرمان هندی که برای پیروزی پسرش دعا می‌کرد متقلب شده بود، از روی عمد و ارادهٔ شخصی اجازه داد تا آن قهرمان پشت او را به خاک برساند. هنگامی که به پشت روی زمین دراز کشیده بود دریافت که بزرگ‌ترین پیروزی هر کس پیروزی بر خودش و نفس خودش است. کمی

بعد وی توانست در یک موقعیت بسیار خطیر و حساس با استفاده از نیروی فوق انسانی خود جان حاکم را از خطر نجات دهد. در این حال بود که حاکم از اینکه مردی با این همه قدرت توسط کشتی گیر جوان هندی مغلوب شده باشد غرق حیرت شد. پوریا در جواب حاکم عصارهٔ آموزش های خودش را در قالب یک رباعی بیان نمود که هنوز هم توسط ورزشکاران قدیمی و پیشکسوت ایرانی نقل می شود:

گر بر سر نفس خود امیری، مردی  
ور بر دگری خرده نگیری، مردی  
مردی نبود فتاده را پای زدن  
گر دست فتاده را بگیری، مردی.

پس از این درس بعضی نسخه های افسانهٔ مربوط به پوریای ولی چنین می گویند که وی به صحرا رفت و ناگهان یک آهو از غیب پدیدار گشت. آهو به سمت او آمد و در شاخ هایش یک تنیان که شلوار سنتی *فتیان* (اعضای قنوت) می باشد قرار داشت که از آن به بعد *تنیان* توسط کشتی گیران نیز استفاده گردید. از آنجا که او اولین حلقهٔ زنجیرهٔ انتقال (سلسله) بود لذا می بایست این علامت و نشانهٔ دانش عرفانی را از طرف خداوند دریافت کرده باشد.

بیه مونتزه نشان می دهد که پیش از آغاز قرن شانزدهم میلادی نام پوریای ولی در منابع کتبی ایران ذکر نشده است و پس از این زمان و به ویژه در آثار مربوط به دربار سلطان حسین بایقرا در شهر هرات از وی نام برده می شود. این آثار حاوی جزئیاتی از زندگی وی هستند که در بالا به آنها اشاره کردیم<sup>۵۲</sup>؛ اما آموزش های شفاهی پوریا هنوز در بردهٔ ابهام باقی مانده اند. همه می دانند که معمولاً وقایع نگاران تمایل دارند به تشریح مسائلی بپردازند که آنها را به مراجع قدیمی نسبت می دهند. بنابراین درست مشخص نیست که آموزش های پوریای ولی در واقع چه بوده اند. البته این احتمال وجود دارد که نویسندگان دورهٔ تیموری از وقایع نویسی هایی استفاده کرده باشند که در حال حاضر موجود نیستند و یا از روایات شفاهی استفاده کرده باشند، اما به هر حال این سؤال کماکان باقی می ماند که چرا دقیقاً در آن مقطع از تاریخ این تعداد نویسنده مطالبی را دربارهٔ پوریای ولی به رشتهٔ تحریر درآورده اند.

در قرن بعد، حاکم خیره آرامگاهی را در محلی که گفته می شد محل تدفین پوریای ولی است احداث نمود و در زمان صلح، پرچم خود را بر فراز آن قرار می داد. در ادامه و در طی زمان، معجزاتی به این قدیس نسبت داده شد و آرامگاه وی نیز به یک مکان زیارتی مبدل گشت. و دقیقاً در همین زمان است که برخی از مسافران و گردشگران قرن هفدهم نظیر پدر رافائل دومان و زان

شاردن برای اولین بار در نوشته های خود به زورخانه اشاره کردند. با توجه به مقدمه و تاریخچه ای که بیان کردیم حال می توانیم به سراغ متنی برویم که به عنوان متن بنیادین سنت های ورزشی ایران شناخته می شود.

### طومار افسانه پوریای ولی

این رساله فارسی درباره کشتی به اواخر دوره صفویه تعلق دارد و توسط یک نویسنده ناشناس در آذربایجان به رشته تحریر درآمده است. این اثر، قدیمی ترین متنی است که نه تنها به کشتی می پردازد، بلکه به طور دقیق به انواع مختلف تمریناتی که در آن زمان در زورخانه انجام می گرفته است نیز اشاره می کند.

بر اساس نظریه پرتو بیضایی عدم بلاغت و سردرگمی موجود در متن حاکی از آن است که این متن توسط یک قصه گو به یک کاتب نافرهیخته و کم سواد دیکته شده است.<sup>۵۳</sup> با وجود نواقص و نارسایی های نگارشی، این متن نشان دهنده آن است که نویسنده آن با مطالبی که عنوان کرده آشنایی خوبی داشته و در نتیجه این احتمال وجود دارد که این شخص نه یک قصه گو که یک کشتی گیر قدیمی یا پیشکسوت بوده باشد. این اثر اهمیت ویژه ای دارد چون حقایق مسلمی را درباره زندگی افرادی که به طور حرفه ای به کشتی اشتغال داشتند آشکار می سازد.

طومار با اشاره ای به ریشه های کشتی آغاز می شود که در طی آن نویسنده آیین ها و مراسم های آغازینی را که از نظر خودش یک ایده آل کاملاً مطلوب و مناسب نیز هستند را تشریح می کند. در ادامه وی به اسامی چهل فن کشتی اشاره می کند و اذعان می دارد که تعداد این فنون در ابتدا ۱۲۰ عدد بوده است که بقیه آنها به مرور زمان فراموش شده اند. پس از آن دوازده فرمان را مطرح می کند که پهلوان باید به آنها احترام بگذارد، اما در ادامه نه فقط به فرمان اشاره می کند که این موارد نیز عملاً از سوی پهلوانان محترم شمرده نمی شوند. در پایان نویسنده فهرستی از نه نکته را ارائه می کند که آنها را «قوانین کشتی» می خوانند، اما در حقیقت آنها فقط تمرین هایی هستند که برای آزموده شدن بدن کشتی گیر ها استفاده می شوند. این رساله به شکلی ناگهانی در میانه تمرین نهم خاتمه پیدا می کند که به نظر می رسد بخشی از آن، که مقدار آن نیز مشخص نیست، از بین رفته باشد.

در این رساله متوجه می شویم که پوریای ولی به عوض آسیای مرکزی از شهر «سرماس» آذربایجان (که شاید سلماس امروزی باشد) سر در می آورد. پوریا در عالم رؤیا می بیند که حضرت

علی<sup>(ع)</sup> به او می گوید که به میدان اصلی سلماس برود. او طبق دستور عمل می کند و هنگامی که به سلماس می رسد با یک کشتی گیر قدیمی (کهنه سوار) به نام شیردل و چهل مرد دیگر رو به رو می شود. این مردان به او می گویند که تا پایان عمرشان در خدمت وی خواهند بود. این چهل مرد در واقع از چهار دسته ده نفری تشکیل شده بودند که هر کدامشان از یک نقطه اصلی زمین آمده بودند. گروه جنوبی تحت فرمان بقلی شیرازی (۱۲۰۹) بودند. گروه شمالی تحت فرمان حاجی بکتاش ولی (۱۳۳۸)، گروه شرقی تحت فرمان امام رضا<sup>(ع)</sup> (۸۱۸) و گروه غربی نیز تحت فرمان شیخ مرشد قاضی<sup>۴</sup> بودند. هر کدام از این چهل شاگرد می بایست سه فن را از پوریا می آموختند که در مجموع ما را به همان ۱۲۰ فنی که در بالا به آنها اشاره کردیم می رساند.

### هنگامی که سنت، بحث تقدم و تأخر را کتمان می کند

بر خلاف سایر روایات که در آنها پوریای ولی به عنوان تنها مرجع آموزش فن یا هنر کشتی معرفی شده است و در آنها وی برکتیده خود خداوند قلمداد می شود، نویسنده این رساله چهره جدیدی را معرفی می کند که برای نویسندگان شهر هرات کاملاً ناشناخته است: این فرد کهنه سوار نام دارد که در واقع یک پهلوان با تجربه و قدیمی است که به بسیاری از فنون و تکنیک های کشتی آشنایی دارد و آنها را به این افراد آموزش می دهد، اما خودش دیگر قادر به کشتی گرفتن نیست.<sup>۵۵</sup>



این امر از نحوه ظاهر شدن این کهنه سوار در داستان روشن می‌شود: هنگامی که پوریای ولی به میدان اصلی سلماس می‌رسد با پیرمردی رو به رو می‌شود که هنوز ماهیچه‌هایی شبیه به رستم دارد. هنگامی که پیرمرد پوریا را مشاهده می‌کند به سمت وی می‌رود و به پاس احترام خود را به پایش می‌افکند. او به پوریا می‌گوید که نامش شیردل است، اهل تبریز است و در تپه‌های سرخاب زندگی می‌کند.<sup>۵۶</sup>

او به مدت چهل سال *پهلوان* بوده است و هیچ کس را یارای برابری با وی نبوده است. بیست سال پیش به رتبه *کهنه سواری* دست یافته و پس از گذشت بیست سال ناگهان خواب دیده که چیزی که در مدت بیست سال گذشته به دنبالش بوده در میدان سلماس منتظر اوست و سپس اضافه می‌کند که وی برای مدت شصت سال به عنوان *پهلوان* و *کهنه سوار* در این جهان سرگردان و پریشان بوده است.

در ادامه این طومار، *کهنه سوار* از پوریا انتظار داشته است که به عنوان یک نمونه یا الگوی ایده آل «دوم» به آموزش هنر کشتی به ورزشکاران جوانی بپردازد که پس از ملاقات آنها به آنجا رسیده بودند. این مسأله دارای اهمیت است که شیردل فقط یک بار به پوریا تعظیم می‌کند. علاوه بر این در ادامه متن مشخص می‌شود که او رئیس و فرمانده مراسم و تشریفاتی است که به پوریا دیکته می‌کنند که چه کارهایی باید انجام بدهد. در نتیجه *پهلوان* در یک موقعیت وابستگی و اطاعت بالفعل قرار می‌گیرد.

این امر دارای اهمیت زیادی است، چون از تلاش برای توجیه تفوق و برتری *کهنه سوار* بر *پهلوان* حکایت می‌کند. نویسنده متن ما که باید حتماً یک *کهنه سوار* باشد، سعی می‌کند با ارائه حریف خود به این شکل نقش خود را تکرار نماید و بر حقوق خود در مقابل *پهلوانی* که معلوم نیست به موازنه و تعادل بین این دو نقش احترام بگذارد یا خیر، تأکید کند. وفور دقائق و زیاده روی در شرح جزئیات اقدامات آغازین تمرینات حاکی از تمایل نویسنده به قرار دادن این مسأله در یک سنت عرفانی است؛ اگر چه این نویسنده گمنام به تلخی عنوان می‌کند که *پهلوانان* نسبت به این سنت پایبند نیستند.

اما نویسنده قصد متقاعد کردن چه کسی را دارد؟ چندان مبالغه آمیز و دور از ذهن نیست اگر حدس بزنیم که هدف این طومار احقاق حقوق *کهنه سوار* در مقابل *پهلوان* در دادگاه عدالت حاکم، و به احتمال زیاد در تبریز، بوده باشد. این موضوع بی‌سابقه نیست و موارد مشابهی در هندوستان مشاهده شده‌اند.<sup>۵۷</sup> البته طومار به ما اجازه می‌دهد که روش مورد استفاده برای شناساندن و به رسمیت شناختن *کهنه سوار* را مشاهده نماییم. *کهنه سوار* مقبوض و آزرده خاطر می‌بایست مسأله‌اش

را طوری بیان کند که از نظر مردم آن زمان معقول و موجه جلوه کند و برای همین از اشارات و کنایاتی به پوریای ولی استفاده می‌کند.

### چگونه می‌توان پهلوان خوبی بود

ادعاهای کهنه سوار چگونه در متن ارائه شده اند؟ با ارائه فهرستی از فرمان های مختلف که وی را در جایگاه مدافع سنت قرار می دهند. فرمان هایی که در طومار ارائه شده اند در واقع دستوراتی هستند که به پهلوان داده شده اند. آنها چنین بیان می کنند که او باید به کهنه سوار احترام بگذارد (و اگر چنین نکند «مرد کامل نخواهد بود و در جوانی خواهد مرد») و کل درآمد خود را با طور مساوی با وی تقسیم کند. این تقسیم دارایی چگونه صورت می گیرد؟ پهلوان باید همه چیز را در مقابل کهنه سوار قرار دهد که به او در رسیدن به خواسته هایش کمک کند. طومار می گوید که این بهترین و محترمانه ترین روش تقسیم عواید است و در حقیقت این روش به دقت جزئیات میزان دریافتی هر کس را بیان می کند. بهره‌ها و دریافتی‌های پهلوان در هر عرصه‌ای باید به ده قسمت تقسیم شود: چهار قسمت به کهنه سوار تعلق دارد، چهار قسمت به پهلوان و دو قسمت باقی مانده به کشتی گیران مبتدی و تازه کار. فرمان می‌گوید که پهلوان باید آرامش و شکیبایی پیشه کند، با همه مهربان باشد و بدون ایراد گرفتن و گلایه کردن خودش را به همان بخشی که به وی تعلق دارد راضی نماید. تذکر دربارهٔ ضرورت احترام به پیشکسوت و روش تقسیم درآمدها، به ترتیب اولین و آخرین فرمان را به خود اختصاص داده اند که نشان دهنده اهمیت آنها است چون افراد معمولاً در ابتدا و انتهای هر کار، اقداماتی را انجام می‌دهند که از نظرشان اهمیت بیشتری دارند.

چهار فرمان دیگر می‌گویند که پهلوان باید نسبت به نماز، دروغ و سوگندهای خود سهل-انگارانه باشد (چون طبق نظر طومار آنها از این امور را نادیده می‌گیرند) و همچنین از زنا دوری کند (که بدترین کارها است).<sup>۵۸</sup> دو نکته بعدی به روشن کردن نحوهٔ ارتباط بین پهلوان با کارآموزان یا نواخته‌ها اشاره دارد. اگر آنها با جدیت کار می‌کنند او نباید آنها را مایوس نماید و باید سعی کند عزت نفس آنها را حفظ کند و مطمئن شود که هیچگونه رنجش یا تنفری بین آنها وجود ندارد. علاوه بر این، هنگامی که او پشت یکی از شاگردان را بخ خاک می‌رساند باید او را بعد از تمرین و هنگام عصر به خانه ببرد،<sup>۵۹</sup> غذایش را با او صرف کند، او را تسلی و دل‌داری دهد و روز بعد او را با خود به زمین کشتی ببرد و مراقب باشد کسی با وی بدرفتاری نکند. باید به او پولی پرداخت کند و اجازه

بدهد که به خانه اش مراجعت نماید. اما در مورد شاگردی که جایگاه خود را نشناسد، باید او را « به طرز بی رحمانه ای به زمین انداخت و خاک کرد ».

بنابراین نتیجه ای که از این طومار گرفته می شود توصیفی است از یک گروه حرفه ای کشتی گیران که متشکل است از ۱- یک پهلوان قدیمی که هنر کشتی را از قدیمی ها آموخته است و به خاطر دارد و کهنه سوار نامیده می شود؛ ۲- کشتی گیری که مسؤولیت آموزش را بر عهده دارد و پهلوان نام دارد؛ ۳- گروهی از کارآموزان (نوخاسته ها) که تعدادشان متغیر است و بهترین ورزشکار در بین آنها ریاست و سرپرستی را بر عهده دارد و پیش خیز نامیده می شود. این شخص وارث یا جانشین احتمالی پهلوان خواهد بود.

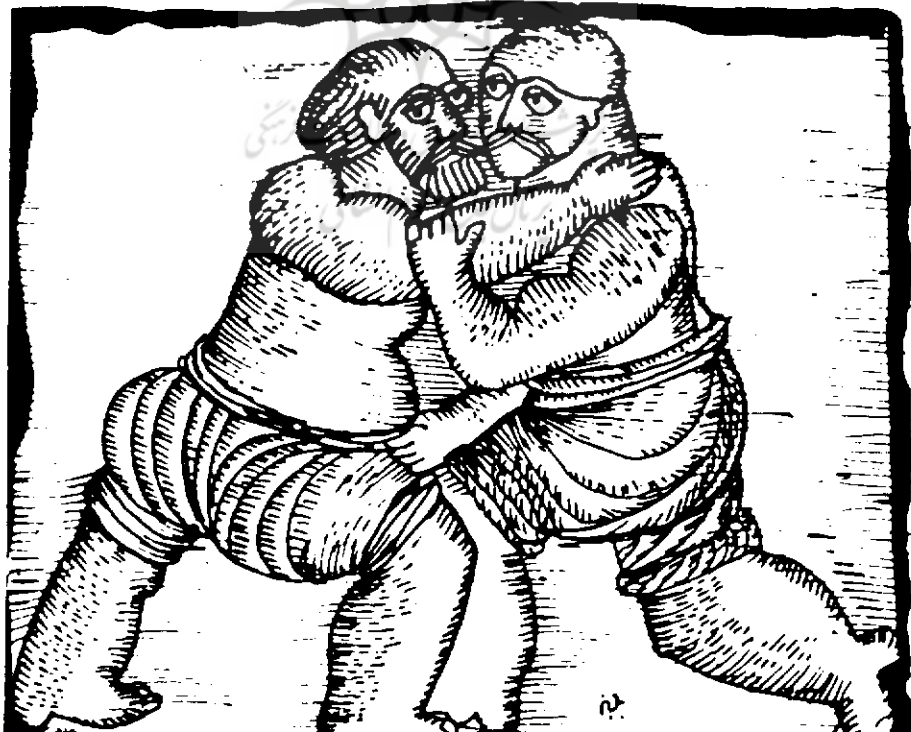
### چگونه کشتی گیران مسیر شغلی خود را تعیین می کنند

این طومار تحت لوای فهرستی از اقدامات و منویات بوریای ولی، به تشریح اصولی پرداخته است که کشتی گیران را در دنبال کردن مسیر حرفه ای شان راهنمایی می کند. کشتی گیر نباید بیش از یکسال در یک شهر بماند چون در غیر این صورت ممکن است احترام و منزلتش خدشه دار شود. طومار به ما می گوید که اگر این امر صورت نگیرد کار او تکراری می شود و نمی تواند از مزایای تازگی و نوپهوری در چشم ساکنین شهر استفاده کند و این افراد دیگر به وی احترام نخواهند گذاشت.<sup>۶</sup> نویسنده گمانم ما که به نماد عدد دوازده وفادار و پایبند است به تشریح رفتارهایی می پردازد که کشتی گیران جوانی که قصد دارند به پهلوان تبدیل شوند باید از آنها پیروی کنند تا به هدف خود دست یابند. او باید دوازده سال به تمرین این فن بپردازد و این کار را در یازده شهر مختلف انجام دهد و در نهایت به همان شهری برگردد که کارش را از آنجا آغاز کرده است. این رساله می گوید پهلوان نمی تواند قدرت بدنی و مهارت های فنی خود را برای مدتی بیش از دوازده سال حفظ کند و اینکه این سبک زندگی سیار به او اجازه می دهد تا شهرت و آوازه خود را تمدید نماید. اگر پهلوانی بخواهد یک چرخه دوازده ساله مسافرت را آغاز کند باید ابتدا یک جانشین قطعی برای خودش انتخاب کرده و او را آموزش دهد - «کشتی را مَهر کند.»<sup>۶</sup> این طومار به ما امکان می دهد تا جهان کشتی گیران ایرانی را، علیرغم وجود خلاءهایی، بازسازی کنیم. مشاهده می کنیم که کشتی گیران جوان که به احتمال زیاد از قشر بازاری هستند به پهلوان مراجعه می کنند تا هنر کشتی گرفتن را فرا بگیرند. پهلوان ممکن است با یک کهنه سوار همراه باشد و یا ممکن است در خانه کهنه سوار شهر منزل گزیده باشد. به هر حال این کهنه سوار مسؤولیت برگزاری مسابقاتی را بین کشتی گیران سیار و قهرمانان محلی که به طور کامل راه و روش زندگی ورزشی حرفه ای را



دنیال نکرده اند به عهده می گیرد. کارآموزانی که با استعداد باشند، اگر تمایل داشته باشند که به یک ورزشکار حرفه ای تبدیل شوند، می توانند همراه پهلوان بمانند. این پهلوان درآمد زندگی خود را از کشتی گرفتن تأمین می کند و به مکان هایی می رود که بتواند در آنجا از این راه درآمدی حاصل کند. این مکان ها عبارتند از جاهایی مثل زورخانه ها ( که او در آنجا به کشتی گیران آموزش می دهد )، مجالس و جشن های روستایی و یا باغ ها و جلسات افراد پولدار و غنی. بهترین کارآموزان و نواخته ها می توانند خودشان را برای مسابقات سالیانه قهرمانی که هنگام نوروز در پایتخت برگزار می شود آماده نمایند و امیدوار باشند که شاید مورد نظر پهلوان باشی یا خود شخص شاه قرار بگیرند. هنگامی که دوره آموزش یک نواخته به پایان رسید، او نشانی دریافت می کند که پهلوان شدن او را تأیید می کند و از آن به بعد او به طور مستقل زندگی خواهد کرد<sup>۶۲</sup>. و احتمال دارد که او به شهر دیگری سفر کند تا چرخه جدیدی را در آنجا آغاز نماید.

به نظر می رسد کشتی گیران حرفه ای ایران تا قبل از به پایان رسیدن قرن نوزدهم میلادی زندگی آشفته ای داشته اند و جایگاه و محل اقامتشان بر اساس تصادف، دعوت دیگران، دوستی ها و یا تمایلات خود ورزشکار تعیین می شده است. البته این فقط کشتی گیران نبوده اند که چنین زندگی سیار و ناپایداری داشته اند<sup>۶۳</sup>. اما در مسأله مورد نظر ما این شیوه زندگی در واقع مکمل تصویر ساکن و مستقر شده زورخانه می باشد.



## نتیجه گیری

زورخانه که به همراه مسجد، حمام عمومی و قهوه خانه یا چایخانه، مراکز اجتماعی و ارتباطی سنتی ایران را تشکیل می دهند برخلاف آنچه معمولاً عنوان می شود چیزی فراتر از یک مکان بسته و بی اعتبار و بدنام بوده است. در قرن نوزدهم رفتن به زورخانه های عمومی یا خصوصی بخشی از فعالیت های روزمره زندگی تردستان، شاطرها، کشتی گیران و مردانی بود که در امور روزانه خود جایی را برای تمرین های فیزیکی و بدنی در نظر می گرفتند. این افراد پس از آن به یک حمام می رفتند تا خستگی در کنند و سپس برای صرف غذا و گفتگو به چایخانه بروند. اگر چه تعداد ورزشکارانی که از راه کشتی گرفتن زندگی می کردند به نسبت کم بود، اما این حرفه ای های سیار و در حال سفر می توانستند به مهمان نوازی و اتحاد و همبستگی ورزشکاران دیگری که در شهرها و روستاهای محل اقامتشان ساکن بودند اتکا و اعتماد نمایند. با وجود آن که در داخل یک شهر بین زورخانه های مختلف معمولاً روابط خصمانه ای برقرار بود اما شبکه همبستگی و اتحاد یک زورخانه خاص حوزه های بسیار وسیعی را در بر می گرفت. این پیوندها و روابط حتی امروز نیز به چشم می خورد. برای مثال در حوزه محلی می توان به مراسم گلریزان اشاره نمود که در آن مقادیری پول برای جامعه ورزشکاران یا یکی از آنها که گرفتار مشکلات شدید مالی شده است جمع آوری می شود. در سطح ملی نیز می توان به روحیه مهمان نوازی که بر جهان ورزشکاران باستانی کار سایه افکنده است اشاره نمود. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۴ ریاست فدراسیون ورزش های باستانی کرمان همواره این آمادگی را داشت تا اتاق و غذا در اختیار پانزده ورزشکار مهمان قرار دهد و در عوض می توانست با آسودگی در هنگام سفر به تهران با همراهانش بر روی حس مهمان نوازی تهرانی ها حساب کند.<sup>۶۶</sup>

اذهان عمومی ایرانیان تصویری دو پهلو و متضاد از زورخانه در خود جای داده است و آن را کانونی برای جوانمردی اصیل و با شرافت و در عین حال مکانی برای فساد و خشونت می داند. بخشی از این مسأله ناشی از این حقیقت است که متن های نوشته شده در مورد زورخانه تصویری ایده آل از این مکان ارائه کرده اند در حالی که تصویر حقیقی هیچگاه با آن تطابق و همخوانی نداشته است. بنابراین فرض کردن این مسأله که پس از دوران زوال و انحطاط اواخر قاجاریه به یک دوران طلایی زورخانه ها می رسیم تصور غلط و نابجایی است. زورخانه فقط نشان دهنده و نماینده اجتماعی است که این مؤسسه نیز بخشی از آن بوده است، نه بیشتر و نه کمتر. میزان ارزشی که افراد مختلف برای هنرهای ورزشی قایل می شدند از دربار تا بازارهای شهرستانی را شامل می شد و از تمرین های

ساده پرورش اندام تا تجارب عرفانی را در برمی‌گرفت و بستگی به ارزشی داشت که آن افراد برای منافع حاصل شده از این اقدامات در نظر می‌گرفتند.

یک نکته کاملاً روشن است: شیوه زندگی افرادی که با زورخانه در ارتباط بودند معمولاً کم‌اهمیت و حاشیه‌ای قلمداد می‌شده است. اما باید به خاطر داشته باشیم که نحوه اداره زندگی توسط این مردان پر قدرت، پراستقامت و چالاک در واقع منعکس‌کننده سختی‌های زندگی روزمره آنها است. ممکن بود افراد اخلاق‌گرا آنها را به باد انتقاد بگیرند، متمولین سرشناس از آنها استفاده نمایند، اشراف زادگان قدرتمند آنها را مایه تفریح خود بنمایند و تجار بازاری کوچک از آنها در هراس باشند، اما شیوه زندگی آنها اگر چه بسیار سطح پایین و کم‌مایه بود اما به هر حال در اجتماع دارای جایگاه خاصی بودند. اطلاعاتی که در اختیار دارم نشان می‌دهند که زورخانه هیچگاه همانند میکده‌ها، قمارخانه‌ها مورد انزجار و نفرت مردم و مراجع دولتی نبوده است. این مطلب به معنای آن است که زورخانه هر چقدر که ناچیز و حقیر شمرده شود اما روش زندگی افراد ماهر و حرفه‌ای آن هرگز آنقدر غیر عادی و غیر طبیعی نبوده است که برایشان ممنوعیت‌های رسمی و دولتی به همراه داشته باشد در عین حال به اندازه کافی خدماتی به مسئولان ارائه می‌دادند که آنها تحمل‌شان کنند. این مسأله زورخانه را در جایگاه «حاشیه زدگی سازمان یافته» قرار می‌دهد و ما را به این سؤال رهنمون می‌کند که اجتماع ایران چگونه موفق شد این رفتارهای «غیر طبیعی و ناهنجار» را مدیریت کند و از آنها استفاده نماید. زورخانه توانست عملکردهای خاصی را در جامعه ایران برآورده نماید که متضمن نقشی فراتر از ایجاد یک مکان ساده برای انجام تمرینات بدنی و فیزیکی باشد.

امروزه نیز زورخانه سعی می‌کند ارتباطش را با جامعه پیرامونش حفظ نماید. زورخانه جهانی است که به گروه بیش از فرد اهمیت می‌دهد، تصویر دقیق و پرتوقعی در قبال مسأله دوستی دارد و خود را از قانون‌های رسمی آزاد می‌داند. اما به سلسله مراتب‌های غیررسمی خودش احترام می‌گذارد. مشاهده نحوه تکامل این جهان و ملاحظه آن آیا می‌تواند خودش را با واقعیت‌های جدید اجتماعی-سیاسی که در ایران در حال شکل‌گیری هستند تطبیق دهد و در عین حال اصالت و خلاقیت خود را حفظ کند، مسأله بسیار جالبی است.

نسخه ۷۵

یادداشت‌ها:

۱. این مقاله را آقای امیر توفیقی از انگلیسی آن به مشخصات زیر به فارسی برگردانده‌اند.  
Philippe Rochard, "The Identities of the Iranian Zurkhana", *Iranian Studies*, Vol. 35, No4, Fall 2002, pp. 313-340.

۲. از همسر خانم شیرین بی احمد به خاطر کمک های گرانبهایش در ترجمه منابع فارسی تشکر می‌نمایم. همچنین از آقای هوشنگ شهابی به خاطر یافتن بعضی منابع مهم، بازخوانی دقیق بیش نویس این مقاله و رهنمودهای روشنگرش تشکر و قدردانی می‌نمایم. علاوه بر این از سانیل شارما و دو منتقد ناشناس دیگر نیز به دلیل نظرات مفید و ارزشمندشان ممنونم.

۳. کشتی پهلوانی با کشتی آزاد بین‌المللی تفاوت دارد. در این کشتی طول مسابقات بیشتر است (در واقع در این مسابقات هیچ محدودیت زمانی وجود ندارد). در این مسابقه کشتی گیران می‌توانند از شلوارک یکدیگر نیز استفاده نمایند یعنی می‌توانند از کمربند و لبه پشت زانو نیز در فنون خود استفاده نمایند. این شلوارک ها که از نوعی پارچه تقویت شده یا چرم ساخته می‌شوند تنبان نام دارند. بنگرید به:

Patricia L. Baker "Wrestling at the Victoria and Albert Museum" *Iran*, 35 (1997): 73-80.

۴. به پایان نامه دکترای کارل مهمت هرشیسر (Karl Mehmet Hershise) در دانشگاه نگراس در سال ۱۹۹۸ تحت عنوان «کشتی ترکیه و اصلاح فرهنگ سنتی» مراجعه نمایید.

۵. متأسفانه فقدان یک نظم مشخص باعث از بین رفتن دانش مربوط به تکنیک‌های کشتی سنتی و فقیر شدن آن گردید.

۶. یک فرآیند قرض‌گیری مشابه نیز در کشتی پهلوانی دیده می‌شود که در آن بعضی از تکنیک‌های جدید به روشنی به ورزش جودو تعلق دارند که بعضی از ورزشکاران در کنار کشتی به آن می‌پردازند.

۷. به تازگی این سازماندهی مجدد نحوه آموزش و تدریس به حوزه موسیقی نیز راه یافته است. مرشدهای جوان امروزی که در دوره‌های مشترک به آموزش آوازخوانی و ضرب نوازی پرداخته‌اند دیگر از اینکه ادعا کنند که خودشان و به صورت خودآموز این هنر را فرا گرفته‌اند ابایی ندارند در حالیکه مرشدهای قدیمی‌تر به این مسأله افتخار می‌کنند که آموزش آنها به سه یا چهار نسل پیشین برمی‌گردد.

۸. ادبیات مربوط به بحث جوانمردی بسیار گسترده است و این موضوع از ابعاد گوناگون توسط نویسندگان مختلف بررسی شده است؛ بهترین متون فارسی در این زمینه عبارتند از: پرویز ناتل خانلری، «آئین عیاری»، سخن شماره ۱۸، ۱۳۴۸، صص ۷-۱۰۷۱ و شماره ۱۹ سال ۱۳۴۸، صص ۲۶-۲۶۳ و ۸۰-۴۷۷. محمدجعفر محجوب، *آیین جوانمردی و قنوت*، نیویورک، مرتضی صراف (به کوشش)، و مسائل جوانمردان، مشتمل بر هفت قنوت‌نامه، تهران ۱۳۵۲. مهمترین نوشته‌ها به زبان خارجی عبارتند از:

Fariba Adelhkhah, *Being Modern in Iran*, trans. Jonathan Derrick (London, 1999); Cl. Cahen, and W. L. Hanaway Jr., "Ahdath", El; Claude Cahen "Mouvements populaires et autonomisme urbin dans l' Asie musulmane du moyen age, I" *Arabica* 5 (1958): 225-50 and "Mouvements populaires et autonomisme urbain dans l' Asie musulmane du moyen age, II," *Arabica* 6 (1959): 25-56; Claude Cahen, "Y a-t-il eu des corporations professionnelles dans le monde musulman classique?" in A. H. Hourani and S. M. Stern, eds., *The Islamic City: A colloquium* (Oxford and Philadelphia, 1970), 51-63; Henry Corbin *L'homme et son ange-initiation et chevalerie spirituelle* (Paris, 1983); Angelika Hartmann, an-Nasir li-din Allah: (1180-1225): Politik, Religion, Kultur in der Späten Abbasidenzeit (New York and Berlin, 1975), Franz Taeschner, *Zunfte und Bruderschaften im Islam: Texte zur Geschichte der futuwwa* (Zurich, 1979); Fr. Taeschner, "Akhi," El s.v.; Jean - Claude Vadet "La Futuwwa, morale professionnelle ou morale mystique," *Revue des Etudes Islamiques*, 46 (1978): 57-90; and Mohsen Zakeri. *Sasanid Soldiers in Early Muslim Society: The Origins of Ayyaran and Futuwwa* (Wiesbaden, 1995).

۹. مصاحبه شخصی با سید عبدالله سجادی.

10. See philippe Rochard, "Le beau geste sportif dans le sport traditionnel iranien (zurkhane et varzesh-e bastani)," Actes du colloque de la societias Iranologica Europaen, volume 3 (Louvain, forthcoming).

11. در ایالات متحده نیز یکی از سایت‌های اینترنتی ورزشی ایرانی ([www.sportestan.com](http://www.sportestan.com)) چند صفحه را به ورزش باستانی اختصاص داده است.

12. On Takhti see H. E. Chehabi, "Sport and Politics in Iran: The Legend of Gholamreza Takhti," *International Journal of the History of Sport* 12 (December 1995): 48-60.

13. Max Weber, *Economy and Society*, eds. Guenther Roth and Claus Wittich, (Berkeley, 1978), 956-58.

۱۴. زین الدین محمود وصیفی، *بدایع الوقایع*، (تهران، ۱۳۴۹/۱۹۷۰) فصل ۱۹، «در ذکر فضایل و کمالات بهلوان محمود ابوسعید و سایر کشتی گیران سلسله سلطان حسین میرزا»، ۵۱۶-۴۸۹.

۱۵. مولانا حسین واعظی کاشفی سبزواری، *فتوت نامه سلطانی*، تصحیح محمد جعفر محبوب (تهران، ۱۳۵۰/۱۹۷۱) ۳۰۶-۳۱۲.

16. See Marieu Canard, "La lutte chez les arabes," in *Le Cinquantenaire de la Faculte des letters d' Alger (1881-1931)* (Algiers, 1932). See Abu l-Fazl Allami, *The Ain-i Akhbari*, trans. H. Blochmann, (Delhi, 1989, reprint), 263. Cf. also Cl. Huart, "Janissaries" in *El s.v.*

برای کشتی گیران نیروی ویژه عثمانی.

۱۷. محمد تقی بهار محقق، نویسنده، استاد دانشگاه تهران: روزنامه نویس و سیاستمدار بود. از او یک دیوان در دو مجلد و یک تحقیق در سبک شناسی در سه مجلد به یادگار مانده است. همچنین تصحیح تاریخ سیستان و مجمع التواریخ والقصص نیز از جمله کارهای اوست. مطالعات او بر روی دو کتاب اخیر باعث انتشار مقالاتی تحت عنوان *جوانمردی* شد که می‌توانید آنها را در کتاب *آیین جوانمردی* گرد آمده احسان نراقی ملاحظه نمایید.

۱۸. به عنوان مثال می‌توانید به مقالات پرویز نائل خانلری مراجعه نمایید. همچنین محبوب نیز به تصحیح *فتوت نامه سلطانی* پرداخته است. می‌توانید به کتاب *رسائل جوانمردان: مشتمل بر هفت فتوت نامه نوشته مرتضی صراف* نیز مراجعه نمایید.

۱۹. حسن گوشه، «ورزش باستانی در ایران»، پیام نو، ۳، (۱۹۴۷)، ۵۵-۴۷؛ حسین پرتو بیضایی کاشانی، *تاریخ ورزش باستانی ایران: زورخانه*، (تهران، ۱۹۵۸)؛ کاظم کاظمیانی، *داستان‌های شکفت انگیز از تاریخ بهلوانی ایران*، (تهران، ۱۳۴۶/۱۹۶۷)؛ همان، *نشر بهلوانی و نهضت عیاری*، (تهران، ۱۳۴۳/۱۹۶۴)؛ غلامرضا انصاف پور، *تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه*، (تهران، ۱۳۵۳/۱۹۷۴). اگرچه نام این کتابها و مراجع را در این بخش ذکر کردیم ولی این مراجع از نظر اهمیت تحقیقی با هم یکسان و برابر نیستند. غنی ترین مورد در بین این مراجع کتاب پرتو بیضایی است که در واقع عمیق ترین کاری است که تا کنون در مورد زورخانه به انجام رسیده است. به تازگی کار بسیار جدیدی از صدرالدین الهی نگاه جدیدی را در این زمینه مطرح کرده است که با نگاه کاظمیانی تفاوت دارد و برداشت مهرداد بهار را در ریشه‌یابی این ماجرا به آیین میترایی را که در مقاله «ورزش باستانی ایران و ریشه های تاریخی آن» در نشریه چپستا (اکتبر ۱۹۸۱) به چاپ رسیده است، منتشر شد، رد می‌کند. صدرالدین الهی، «نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه» *ایران-شناسی*، ش ۶، (۱۹۹۴): ۷۳۸-۷۳۱.

۲۰. در واقع شعبان جعفری نقش مهمی در کودتای ۲۸ مرداد داشت.

۲۱. به عنوان مثال می‌توان به سخنرانی آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت) در هنگام اعطای نشان افتخار ملی به قهرمان ملی کشتی بهلوانی در سال ۱۹۹۳ در *زورخانه بانک ملی* اشاره نمود. ایشان در سخنرانی خود چنین بیان کردند که: «در اینجا ما عرفان را مشاهده می‌کنیم اما نه زبانی که ساده‌تر، غیر رسمی‌تر و برای همگان قابل فهم‌تر است». *مجله پوریای ولی*، شماره ۱، ۱۸ آذر ۱۳۷۲.

۲۲. در مورد لوطی‌ها می‌توانید به مقاله «شخصیت، سازمان، و نقش اجتماعی لوطی‌ها (جوانمردان) در جامعه سنتی ایران در قرن نوزدهم» نوشته رضا آراسته در *مجله Journal of the Economic and Social History of the Orient* شماره ۴ سال ۱۹۶۱ مراجعه نمایید.

۲۳. این متن برای اولین بار توسط پرتو بیضایی در کتاب *ورزش باستانی ایران*، صفحه ۴۴-۳۵۰ به چاپ رسید.

۲۴. گل کشتی در واقع شعری است که در آن از اصطلاحات کشتی استفاده شده است. میر نجف به سرودن این اشعار شهرت دارد و متن او توسط ادیب الملک فراهانی شناسایی و معرفی گردید. این متن نیز در کتاب *ورزش باستانی ایران*. صفحه ۴۱۹-۳۷۹ چاپ شده است.

۲۵. معلم اولین مدرسه مدرن ایران به نام دارالفنون. او این متن را به دستور وزیر علوم وقت یعنی اعتضادالسلطنه که رئیس دارالفنون نیز بود نگاشت. تنها کپی موجود از این کتاب در موزه ملی پاریس نگهداری می‌شود.

26. See Piemontese, "L'organizzazione della "Zurxane" e la "Futuwwa"

27. Sir John Chardin, *Travels in Persia, 1673-1677* (New York, 1988), 200-201.

۲۸. به باورقی شماره ۲۵ مراجعه کنید.

۲۹. محمد تقی دانش پژوه، «دستور الملوک میرزا رفیعا و تذکره الملوک میرزا سمیعا»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۵، (۱۳۴۷/۱۹۶۸): ص ۹۳-۶۲، ۳۲۲-۲۹۸، ۴۴۰-۴۱۶، ۵۶۴-۵۴۰.

۳۰. بیضایی، *ورزش باستانی ایران*، ۳۹۴.

۳۱. برای آگاهی از داستان واقعی محرک صادق هدایت در نوشتن *داش آکل* به مقاله «نویسندگان ایرانی، سینمای ایران و بررسی مثال *داش آکل*» نوشته حمید نفیسی، نشریه مطالعات ایران، شماره ۱۸، (۱۹۸۵)، ص ۲۴۵-۲۴۴، مراجعه نمایید.

۳۲. نوشته‌های ویلم فلور حاوی مطالب بسیار خوبی درباره نقش لوطی‌ها در سیاست‌های محلی می باشد.

33. Amable Louis Marie Michel Brechillet Jourdain, *La Perse* (Paris, 1814), 4: 233-34.

۳۴. دکتر محمد معین، *فرهنگ فارسی*، (تهران، ۱۹۶۴/۱۳۴۳).

35. *Travels of Ibn Battuta, A.D. 1325-1354*, trans. H. A. R. Gibb, (Cambridge, 1958), 594. For an exhaustive Study of mail services in Asia see Didier Gazagnadou, *La poste a relais: la diffusion d'une technique de pouvoir a travers l'Eurasie, Chine, Islam, Europe* (Paris, 1994).

36. Michele Membre, *Mission to the Lord Sophy of Persia (1539-1542)*, trans. With Introduction and Notes by A. H. Morton (London, 1993), 24.

37. Francis [Giovanni Fransesco] Gemelli Careri, "A Voyage around the World" trans. From the Italian, in Awnsham and John Churchill, eds., *A Collection of Voyages and Travels* (London, 1745), 168, as quoted in Keyvani, *Artisans*, 95.

38. Jean - Baptiste Tavernier, *Voyages en Perse* (Genva, 1970), 52-53.

۳۹. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، *چهل سال تاریخ ایران در دوره‌های پادشاهی ناصرالدین شاه*. جلد اول: *المآثر والآثار*. تصحیح ایرج افشار (تهران، ۱۳۶۳/۱۹۸۴)، ۳۹۵ و ۴۵.

40. Docteur Fevrier, *Trois ans a la cour de perse* (Paris, 1900), 47-48.

۴۱. مرجع: واژه‌های «شلنگ تخته» و «تخته شلنگ» در *لغت نامه دهخدا*.

۴۲. یکی از فیلم‌های معاصر ایرانی به نام *زیر نور ماه* تصویر کاملی از این مسأله را به نمایش می گذارد. در این فیلم یک شاگرد مدرسه با گروهی از لوطی‌های بی‌خانمان آشنا می شود که عبارتند از یک پهلوان قدیمی و یک نوازنده.

43. Marina Gaillard, "Le champ d'emploi des termes 'yyar et javanmard dans le arab - name d' Abu Taher Tarsui," *Arabic and Middle Eastern Literatures* 4: 1(2001).

44. Yurko Yamanaka, "The Eskandar- name of Manuchehr- Khan-e Hakim: A 19th century Persian popular romance on Alexander," *Actes du colloque de la Societas Iranologica Europaea* (Pris, forthcoming).

45. Gaillard, "Le champ d'emploi," See also Mohsen Zakeri, *Sasanid Soldiers in Early Muslim Society*.

۴۶. چهار، «ورزش باستانی ایران».

۴۷. به باورقی شماره ۲۳ مراجعه کنید.

۴۸. «گل کشتی» در کتاب ورزش باستانی ایران، نوشته پرتو بیضایی، ص ۳۹۹. در این متن آمده است که ذکر مذکور عبارت بوده است از تکرار بوربای ولی. اما در سال ۱۸۷۵ مرشد‌های تهران فقط به نام قطب الدین حیدر، مرید و بیرو جمال الدین ساوه، متوسل می شدند. این فرد قدیس حامی درویشان برسه زنی بود که به نام قلندر یا خاکسار معروف بودند، الکشان، گنجینه کشتی، ۴.

۴۹. تمام اطلاعات مربوط به بوربای ولی بر این ماخذ استوار است:

Angelo Piemontese, "La Leggenda del Santo-lottatore Pahlavo Mahnnd Xvarazmi "Purya-ye vali" Annali dell Istituto Universitativo Orientale di Napoli, NS, 15, 1965: 167-213.

۵۰. برای اطلاع از اشکال مختلف نام وی بین ایرانیان و ترک ها به مرجع قبلی صفحات ۱۷۳-۱۶۹ مراجعه کنید.

۵۱. نسخه ها و روایات مختلفی از این داستان وجود دارد. به مرجع قبلی مراجعه کنید.

۵۲. این چهار متن عبارتند از: *نجات الانس عبدالرحمن جامی، توتوت نامه سلطانی اثر کاشفی، لطائف الطوائف اثر پسر کاشفی* به نام علی ابن حسین که تخلص صفی بود و *مجلس العشاق* که به خود سلطان حسین بایقرا منسوب است.

۵۳. بیضایی، ورزش باستانی ایران، ۳۵۰.

۵۴. درباره نفر آخر هیچ اطلاعاتی وجود ندارد که به همین دلیل ممکن است یکی از افراد ناشناس دوره معاصر نویسنده بوده باشد.

۵۵. کهنه به معنای قدیمی است و سوار، کسی که اوضاع را در دست دارد.

۵۶. امروزه سرخاب نام یکی از محله های تبریز است.

۵۷. برای از رسائل مربوط به کاست کشتی گیران و مشت زنان بنگرید به:

Veena Das, "A Sociological Approach to the Caste Puranas: A Case Study," *Sociological Bulletin: Journal of the Indian Sociological Society* 17 (1968): 141-64.

برای اصل رسائل بنگرید به:

Mallapurana: *A Rare Sanskrit Text on Indian Wrestling Especially as Practiced by the Jyesthimallas*, ed. Bhogilal Jayachandbhai Sandesara and Ramanlal Nagarji Mehta (Baroda, 1964).

برای یک بررسی مردم‌شناختی از کشتی در هند بنگرید به:

Joseph S. Alter, *The Wrestler's Body: Identity and Ideology in North India* (Berkeley, 1992)

۵۸. در متن «می‌باید فاسق نباشد» آمده است که معنایی دوبهلو دارد.

۵۹. جعفر شهری نیز در این زمینه مطالبی را عنوان کرده است، شهری، *تاریخ اجتماعی تهران*، جلد ۱، صص ۱۴-۴۱۰

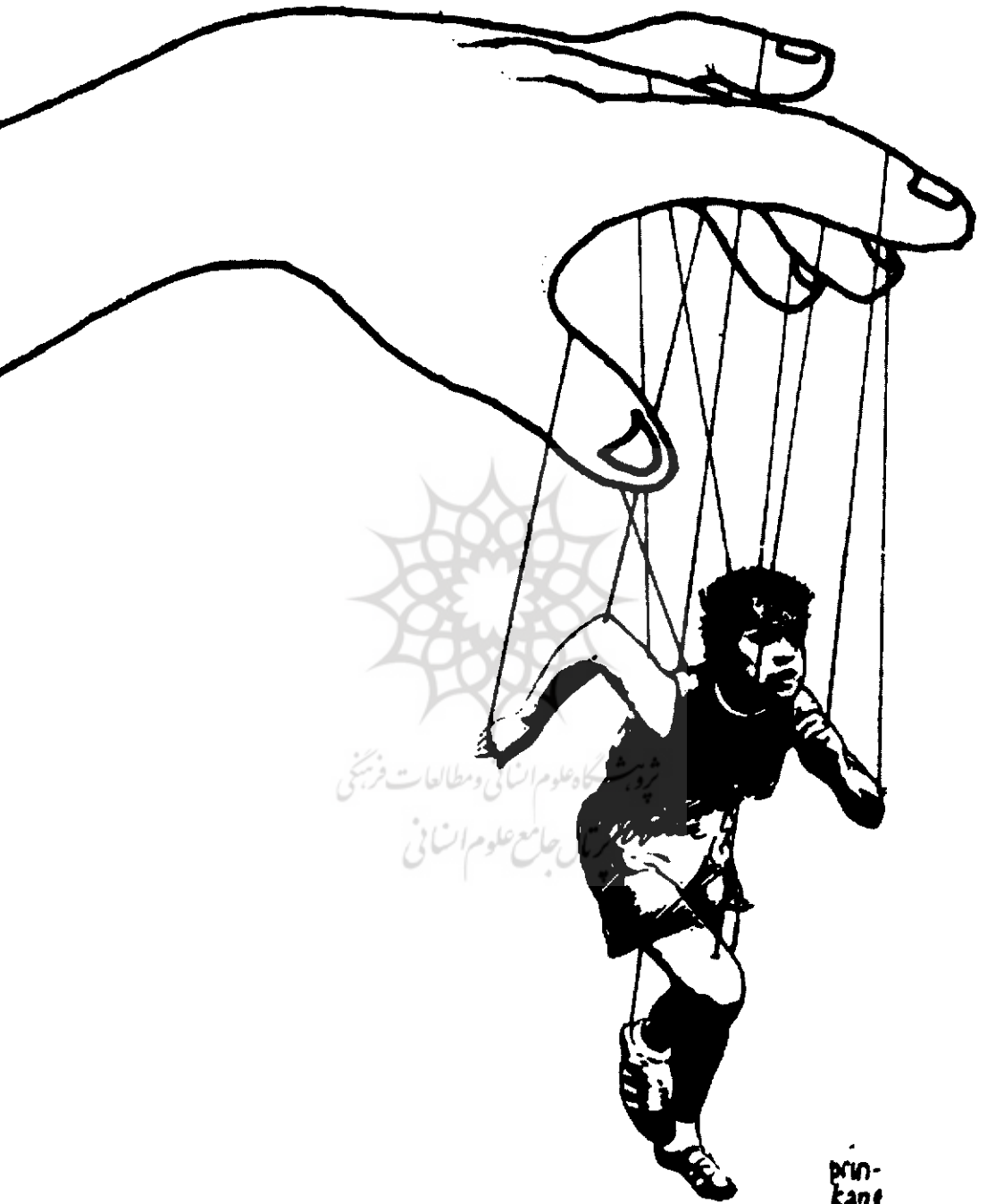
۶۰. کشتی گیر می تواند چنین نتیجه گیری کند که درآمدش با تازگی و نوظهوری برنامه هایی که اجرا می کند رابطه مستقیم دارد.

۶۱. البته باید به این مسأله توجه کرد که این بهلوانان سیار نمی توانسته اند زندگی خانوادگی داشته باشند. تنها فعالیت جنسی آنها بر پایه ازدواج های موقت بوده است. اما یک مسأله قابل توجه دیگر امساک جنسی است (تا منبع انرژی حیاتی آنها حفظ شود) که برای مدت زمان درازی جزو برنامه بهداشتی کشتی گیران قرار داشته است. این خویشن‌داری امری قدیمی و سنتی بوده و از زمان ایلخانیان رواج داشته است؛ به نقل از کتاب *پیه مونتره*.

۶۲. تصویر این نشان در یک مینیاتور مغولی قرن هجدهم به چشم می خورد. این عکس از کتاب عبدالله سود آور به نام « هنر در دربارهای ایران » ص ۳۲۵، برگرفته شده است.

۶۳. هنرمندان سیرک های اروپایی مثال دیگری هستند که می توان در این زمینه ارائه نمود. برای مشاهده تصویر موفق از نحوه زندگی ورزشکاران و هنرمندان برسه زن و سیار به فیلم روسی کشتی گیر و دلقک مراجعه کنید که وقایع آن در اوایل قرن بیستم در روسیه رخ داده اند.

۶۴. مشاهده شخصی.



شهرت نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
موسسه پژوهشی و انتشارات  
جامع علوم انسانی

prin-  
kay8